

پیام سنديگا

پیام سنديگا

پیام آور سنديگاهاي کارگری ایران

حاصل اتحاد تاريخی کارگران سنديگایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۶۸ / سال هفتم / خرداد ماه ۹۷ / نشریه سنديگاهاي کارگری ایران



بابایی
فیلمی فوشه‌الم که ماه
رمضون شروع شد
آقه دیکه کشتگیمون
ثواب داره...



سنديگای کارگران
نقاش و تزئینات

تاسیس: ۱۳۴۸



سندیکای
کارگران
شرکت
طبع
نیشکر
هفت تپه



اتحادیه
نیروی کار
پروژه‌ای



در این شماره می خوانید:

از تاریخ پیاموریم! ص ۱

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۶

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۵

بزرگداشت اول ماه مه، شهر استگم- سوئد ص ۳۲

گزارشی از وضعیت شهرک صنعتی ویان همدان ص ۳۴

دغل بازی شرکت ها و سرنوشت کارگران در آلمان ص ۳۵

اسکندر صادقی نژاده‌ها همیشه زنده اند! ص ۳۶

کشاورزانی که از اینجا رانده و از آنجا مانده اند! ص ۳۷

خالی بودن سفره منشا اعتراضات است. ص ۳۹

سندیکای کارگران صنعتی آلمان فراخوان اعتصاب داد ص ۴۱

رعایت حقوق شهروندی یعنی این ص ۴۲

دروود به کارگران سرزمین و ننگ به دزدان سفره هایمان ص ۴۳

کارخانه ذوب آهن به معنای استقلال صنعتی ص ۴۵

اهداف و دستاورد اعتصاب اخیر چه بود؟ ص ۴۹

تخریب انسان در اقتصاد سرمایه داری ص ۵۱

امر مجازی، امر واقع! ص ۵۲

برگی از دفترچه خاطرات جهان پهلوان نختی ص ۵۵

حکمت های عامیانه ص ۵۶

جنبش زحمتکشان فلسطین برای استقلال ص ۵۸

شعرهای کارگری ص ۵۹

زندگی با مزد قانون کار ص ۶۱

زنگ تقویر! ص ۶۲

ثبت ۳۶۰۰ از دواج زیر ۱۵ سال ص ۶۳

مبانی اقتصاد سیاسی ص ۶۴

پیدایش و تکامل حیات ص ۶۴

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

از تاریخ بیاموزیم!

رژیم استبداد سلطنتی بیش از آنچه تصور می‌رفت در برابر مردم ایستادگی کرده بود. این رژیم می‌بایست در انقلاب مشروطه و حتا در جنبش تنباکو در سال ۱۸۹۱، که مردم جلوی شمس‌العماره فریاد می‌زدند: «ما شاه نمیخواهیم»، سرنگون می‌شد. نزدیک به یک قرن رژیم پوسیده سلطنتی با اتکا به حمایت ارتجاع داخلی و استعمار خارجی، به خصوص با تکیه بر حمایت آمریکا، در برابر خواست مردم ایستادگی کرد و مانع از استقلال و پیشرفت گردید. انقلاب ۱۳۵۷، طبیعی‌ترین پاسخی بود که به رژیم سلطنتی وابسته داده شد. مردم ایران زیر بار ستم دوگانه رژیم ساواکی - سلطنتی پهلوی و تسلط نواستعماری آمریکا قرار گرفته بودند. مردم از بار سنگین مالیاتی، هزینه‌های کمرشکن نظامی، گرانی سرسام آور، تورم شتابان، محرومیت از بهداشت، آموزش و مسکن رنج می‌بردند. تا به امروز هم مدعیانی هستند که می‌گویند گویا همه چیز از بازی کارتر در دفاع از حقوق بشر آغاز شد. به این افراد باید گفت که ماجرا کاملن برعکس بود. توصیه رعایت دروغین حقوق بشر کارتر به شاه، نه قبل بلکه پس از مبارزات اعتصابی کارگران در سالهای ۱۳۵۲، ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ به او ابلاغ گردید، یعنی هنگامی که رژیم شاه توان خود را در سرکوب اعتصابات از دست داده بود. در مراحل قبلی، اعتصابات کارگران با یک «توافق» پایان می‌یافت. اما اعتصاب کارخانه جهان چیت در کرج در اردیبهشت ماه ۱۳۵۲، اعتصاب دامنه دار رانندگان شرکت واحد در تبریز در تیرماه ۱۳۵۳، و اعتصاب کارگران شاهی در تیرماه ۱۳۵۴، کشتارهای خونین و مقاومت سرسختانه کارگران علیه نیروهای دولتی را در پی داشت که خبر از فضای مقاومت جدی در میان کارگران علیه رژیم سلطنتی میداد. در سال ۱۳۵۵، جلوگیری از اعتصابات دیگر ممکن نبود، چنانچه اعتصاب کارخانه چیت سازی تهران به مقاومت چند روزه کارگران انجامید و رژیم با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو شد. کارگران، به قیمت خون خود، در این اعتصاب به پیروزی رسیدند و در افق تیره دیکتاتوری، روزنه‌ای به سوی آزادی گشودند. برخلاف ادعای مدعیان دروغین حقوق بشر، این اعتصابات کارگران در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ بود که به تحول مطلوب و مورد انتظار در فضای سیاسی کشور منجر شد، نه «توصیه کارتر به شاه». طبقه کارگر ایران نقش پیشگام را در دوران تدارک و تکوین مبارزات علیه رژیم سلطنتی برعهده داشت. بازگشایی فضای سیاسی کشور نتیجه مبارزات کارگرانی بود که در جاده کرج، در اعتصاب تبریز، در حوادث شاهی و در اعتصابات تابستان ۱۳۵۵، کشته‌های بسیار دادند اما تسلیم رژیم سلطنتی ضد کارگر

نشدند. واقعیت این است که قربانی‌های مکرر طبقه کارگر و مبارزات آن راهگشای اصلی انقلاب بزرگ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ بود. نقش طبقه کارگر در مراحل سرنوشت ساز و نهایی مبارزه علیه رژیم سلطنتی ماههای بعد از شهریور تا بهمن ۱۳۵۷ را می‌توان ماههای تعیین کننده و سرنوشت ساز مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده پهلوی نامید. حادثه خونین ۱۷ شهریور، «جمعه سیاه»، نشان داد که رژیم شاه به توصیه آمریکا دست از «لیبرال منشی» ادعایی خود (لیبرال منشی که در عمل هیچگاه وجود خارجی پیدا نکرد) برداشته و مصمم است با زور گلوله و مسلسل و به میدان آوردن نیروهای ارتش، جنبش مردم به پاخاسته را سرکوب کند. توان اقشار روشنفکری و دانشگاهی و نیروهای بسیج شده در خیابانها، با همه فداکاری و از خود گذشتگی که تا آن زمان در جریان مبارزه علیه رژیم سلطنتی از خود نشان داده بودند، برای درهم کوبیدن یورش ارتجاع سلطنتی تا دندان مسلح کافی به نظر نمی‌آمد. در این شرایط دستهایی پرتوانتر و قویتر لازم بود تا راه را در پیش پای جنبش مردم بگشاید. این دستهای پرتوان و پرقدرت از آن طبقه کارگر بود که به عنوان نیروی ضربتی انقلاب به میدان آمد. از اوایل مهرماه ۱۳۵۷، تنها دو هفته پس از «جمعه سیاه»، که در آن رژیم استبدادی شاه ضربه ای غافلگیرانه به تظاهرات عظیم مردم تهران و دیگر شهرها وارد آورد و با اعلام حکومت نظامی در ۱۲ شهر، در عمل اداره امور کشور را به دست نظامیان سپرد، کارگران و کارمندان و دیگر زحمتکشان ایران اعتصابات وسیع و دامنه داری را آغاز کردند. این اعتصابات در عرض مدت بسیار کوتاهی اقشار عظیمی از زحمتکشان را در کلیه رشته های تولید صنعتی و کشاورزی ماشینی، حمل و نقل، و خدمات فراگرفت. در صف مقدم این اعتصابات، که وسعت و گستردگی آن گاه شامل اعتصاب هم زمان کلیه کارگران و کارمندان یک رشته در یک شهر و ناحیه میشد، کارگران صنایع ذوب آهن و معادن، نفت، ماشین سازی، راه آهن و نساجی قرار داشتند. اعتصابات مهرماه را قبل از همه کارگران و کارکنان صنعت نفت آغاز کردند. در این اعتصابات، گذشته از کارگران و کارکنان پالایشگاه آبادان، شیراز، تهران و تبریز، کارگران شرکتهای مقاطعه کاری وابسته به شرکت ملی نفت و دیگر کارکنان این شرکت در سطح کشور شرکت داشتند. این اعتصاب کارگران و کارکنان صنعت نفت بود که تانکهای ارتش شاه را در عمل متوقف ساخت و او را وادار کرد که برای تأمین سوخت تانکهای خود دست به دامن دولتهای غربی و آمریکا شود. کارگران و کارمندان صنایع ماشین سازی تبریز و اراک (که در شهریور ماه نیز اعتصابات مهمی را برگزار کرده بودند)، کارگران کارخانه های مونتاژ اتوموبیل در تهران، بسیاری از کارگران کارخانه های صنایع ماشینی در مرکز و بسیاری از شهرهای دیگر، کارگران

کارخانه های سیمان در صوفیان و شیراز، ۷ هزار نفر از کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون و صدها موسسه تولیدی دیگر، یکی پس از دیگری اعتصابات وسیع و گسترده ای را در مهرماه برگزار کردند. اعتصاب کارگران ذوب آهن و فولاد در اصفهان و اهواز، اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ و آهن در دامغان، بافق و البرز، اعتصاب کارگران معدن و کارخانه ذوب سرچشمه، از جمله اعتصابات مهم دیگر مهرماه بودند که هر یک شامل اعتصاب همزمان بیش از ۱۰ هزار کارگر بود. در همین ماه، هم زمان با برگزاری اعتصابات در واحدهای بزرگ صنایع سنگین مادر، اعتصابات پی در پی در کارخانه های نساجی نیز صورت گرفت که به تدریج و تا پایان مهرماه، زمینه اعتصاب جمعی کلیه کارگران صنایع نساجی کشور را فراهم آورد. دامنه اعتصابات کارگران در رشته های گوناگون تولید صنعتی، که بطور عمده با پیروزی کامل یا نسبی کارگران در دستیابی به خواسته های صنفی همراه بود، همچنان رو به افزایش بود. اعتصابات کارگران در مهرماه تنها به صنایع و رشته های تولیدی اختصاص نداشت. این اعتصابات همچنین کلیه رشته های حمل و نقل، اعم از راه آهن، تاکسیرانی شهری و حتی کارکنان هواپیمایی کشوری را در بر میگرفت. ۳۴ هزار کارگر و کارمند راه آهن در اواسط مهرماه اعتصاب وسیع و منتهایی را به مدت ۵ روز برگزار کردند و دولت را به قبول خواسته های خود وادار ساختند. در جریان اعتصاب کارگران راه آهن و کارگران بنادر، حرکت کلیه قطارهای مسافری و باری و امر تخلیه و بارگیری کالا به کشتیها و ترخیص آن از گمرکات به کلی متوقف گردید. مهرماه با اعتصابات وسیع و گسترده کارمندان دولت نیز که قاطبه آنان را کارکنان و خدمتگزاران جز تشکیل میدادند، همراه بود. ابتدا کارکنان بانکها با اعتصاب خود سیستم مالی و پولی را فلج ساختند. از ۱۵ تا ۱۹ مهر، کارکنان مخابرات در سراسر کشور سیستم ارتباط تلفنی را متوقف کردند و دولت را به قبول خواسته های خود وادار ساختند. اعتصاب ۱۰ هزار کارمند، کارگر و نامه رسان پست از ۱۲ مهرماه آغاز شد و در یک روز، کارکنان پست و تلگراف در سراسر کشور دست از کار کشیدند. این اعتصاب تنها در آخر مهرماه با پیروزی نسبی و مهلت یکماهه برای تحقق کلیه خواسته های اعتصاب کنندگان پایان یافت. در اعتصابات مهرماه نه تنها کارگران یک رشته تولیدی یا خدمات، بلکه گاه کارگران وابسته به رشته های مختلف در یک شهر یا در سراسر کشور، اعتصابات وسیع و گسترده ای را برگزار کردند. برای نمونه، در اعتصابات گیلان، در آن واحد ۲۸ هزار نفر کارگر و کارمند کارخانجات «متال کانتینر»، «ال.آر.سی»، کارخانه پوشش گیلان، کارگران دخانیات، سازمان آب و برق، جنگلداری، دارایی و اقتصاد شرکت داشتند. در شیراز، کارگران کارخانه های پارچه بافی ایگار،

نرگس، شیراز، کارخانه لاستیک بریجستون، سیمان پارس، مجتمع گوشت، و دیگر واحدها، اعتصابات همزمانی را برگزار کردند. همچنین، وضعیت مشابهی در یزد، شهر صنعتی البرز و پاره‌های از شهرهای دیگر وجود داشت. به عنوان یک نمونه دیگر از اعتصابات مهم، که بیانگر دامنه و گستردگی اعتصابات در بخش خصوصی بود، میتوان از اعتصاب همزمان ۷ هزار نفر از کارگران و کارکنان ۴۰ شرکت وابسته به «گروه صنعتی بهشهر» نام برد. اعتصاب کارگران و کارکنان این گروه صنعتی شامل کارخانه های روغن نباتی شاه پسند، روغن بهار، لادن، پودر برف، پودر سپید، صابونهای گلناز و عروس، پاکسان، مؤسسه روشهای مکانیزه و کامپیوتر، سیمان غرب، کارخانه های نساجی کاشان، صنایع اراک، شرکتهای پاینده، تضامنی، و سایر شرکتهای وابسته به این گروه می گردید. در مهرماه همچنین کارگران و کارکنان شرکتهای مقاطعه کاری، اعتصابات هم زمانی را در سراسر کشور برگزار کردند. برای نمونه، در روز ۲۶ مهر کلیه کارگران شرکت ماشینهای راهسازی «کاتریلار» در تهران و دیگر نقاط کشور دست به اعتصاب زدند. مشابه همین اعتصابات از سوی کارگران و کارکنان شیلات مازندران و گیلان برگزار شد. درجه وسعت و گستردگی اعتصابات پدیده ای نو بود. در اعتصابات کارگری گذشته در کشور ما، چنین اعتصاباتی تنها در صنایع نفت و نساجی انجام شده بود. اما وسعت و گستردگی اعتصابات هیچگاه بدینگونه نبود که در یک زمان اعتصاب شامل بخش عظیمی از کارگران و کارمندان در سراسر کشور شود. در جریان اعتصابات کارگری در مهرماه سال ۱۳۵۷، در برخی روزها تا یکصد هزار نفر و بیشتر بطور همزمان در سراسر کشور در حال اعتصاب بودند. سطح بالای تشکل اعتصابی و هماهنگی در طرح خواستههای صنفی و سیاسی از ویژگیهای عمده این اعتصابات بود. برای نمونه، کارگران و کارمندان راه آهن بطور همزمان اعتصاب را شروع کردند. اعتصاب کارکنان ۴۰ شرکت وابسته به گروه صنعتی بهشهر، که در نقاط مختلف کشور پراکنده بودند، از روز واحدی شروع شد. هفت هزار نفر کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون اعتصاب خود را همزمان آغاز کردند و تا دستیابی به خواسته هایشان، ۳۳ روز در حال اعتصاب بودند. در مراحل سرنوشت ساز و نهایی مبارزه علیه رژیم سلطنتی، طبقه کارگر ایران با سلاحهای شناخته شده خود وارد میدان مبارزه شد. ابتدا کارگران با حربه اعتصابات اقتصادی، که از ۱۳ شهریور ماه ۵۷ آغاز شد و تا اوایل آبان ماه ادامه داشت، دستگاه دولتی را فلج کردند. در ماههای آبان و آذر، اعتصابات اقتصادی را به اعتصابات سیاسی فرا رویاندند، و در مرحله نهایی، ترکیب همین مبارزات با اعتراضات وسیع مردمی در طی ماههای دی تا بهمن بود که عرصه را بر رژیم تنگ

کرد و شاه را فراری داد، و بالاخره کابینه فرمایشی بختیار را نیز به سقوط کشاند. از فاجعه سینما رکس آبادان در ۲۹ مرداد ۵۷، که به سقوط کابینه آموزگار انجامید، تا ۲۱ بهمن که کابینه فرمایشی بختیار سقوط کرد، همه روزها، روزهای مبارزه بود. اما روزهای اواسط آبان ماه، نیمه دوم آرمه و هفته اول دیماه، که طی آن سه موج اعتصاب سیاسی پی در پی، یکی شدیدتر از دیگری، به رژیم شاه تحمیل شد، دارای ماهیت خاصی بود. در این سه نبرد سیاسی آشکار، طبقه کارگر ایران ابتدا توطئه تعویض دولت «کشوری» شریف امامی با دولت «نظامی» از هاری را عقیم گذاشت؛ سپس موفق به طرد دولت نظامی از هاری شد و بالاخره با تحمیل شدیدترین و دامنه ارتین اعتصابات سیاسی به رژیم، وظیفه طرد رژیم سلطنتی را از قوه به فعل درآورد. مجموعه مبارزات مردم ایران در آن ماههای نهایی و سرنوشت ساز افتخار آفرین بود. اعتراضات عظیم مردم در خیابانها، ندای همزمان تکبیر در پشت بامها، اجتماعات میلیونی و راهپیمایی های ده میلیون نفری صفحات درخشانی از تاریخ معاصر کشور ما به شمار میروند. اما جنبش اعتصابی سیاسی عظیم زحمتکشان ایران، از اعتصابات کارگران نفت گرفته تا کارکنان راه آهن، از فلزکاران و نساجان اصفهان گرفته تا معدنچیان زیرآب و شاهی، از صنعتگران تبریز گرفته تا قالیبافان کرمان - اعتصابات که مجموعه رژیم حاکم و بنیان اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی آن را فلج کرد - دارای اهمیتی ویژه است. طبقه کارگر ایران در لحظات حساس نهایی نیروی خود را برای وارد کردن ضربه قطعی به رژیم سلطنتی به کار برد. پهلویها، پدر و پسر، کوشش داشتند تا طبقه کارگر را در جامعه ایران نادیده بگیرند. رضاخان به کار بردن کلمه کارگر را ممنوع کرده بود و دستور داده بود به جای کارگر بگویند «عمله». اقبال، نخست وزیر محمدرضا پهلوی هم به خود جرأت میداد از پشت تریبون مجلس بگوید: «من از این کلمه اعتصاب بدم میآید». امروز از رضاخان و اقبال و محمدرضا اثری نیست. امروز، طبقه کارگر ایران نیروی اصلی را در جهت تحقق آرمانهای عدالت خواهانه و برابری طلبانه انقلاب بهمن ۵۷، تشکیل می دهد و تنها در صورتی خواهد توانست نقش تاریخی خود را در پیروزی جنبش ایفا کند که کارگران از حق داشتن سندیکاهای کارگری برخوردار باشند.

پیش به سوی ایجاد و گسترش سندیکاهای کارگری

تحریریه پیام سندیکا

سرکوب چاره ساز نیست!

سال جاری در حالی آغاز شد که مشکلات زحمتکشان همچنان رو به فزونی است و حاکمیت همچنان از شنیدن موج بزرگ بحران طفره رفته و برای خاموش کردن صدای این موج دست به بازداشت معلمین معترض، اجازه تعطیلی به کارفرمای کارخانه هپکو، دعوت کارگران راه آهن لرستان به آرامش جهت نگرفتن حقوق عقب افتاده خود، عدم توانایی واریز حقوق بازنشستگان پتروشیمی آبادان، اخراج ۵۰۰ کارگر سد هراز، و به پیمانکاران در حوزه های نفتی اجازه می دهد بیش از ۴ ماه حقوق کارگران را دیر پرداخت کنند.

خصوصی سازی و اجرای دستورات صندوق بین المللی پول برای ارزان سازی نیروی کار و دستبرد به اندوخته های کارگران در تامین اجتماعی بیش از ۴۰ سال نشان دهنده ناکارآمدی این برنامه های اقتصادی است که منجر به فقر و اعتراضات بیشتر گشته است. گرانی ابزار برای هرچه غارت بیشتر کارگران توسط بازاریان و سرمایه داری تجاری بوده و بازی با ارز برای نابود کردن قدرت خرید زحمتکشان به ابزاری در دست مافیای مالی تبدیل شده است.

برای برون رفت از این بحران دولت چاره ای جز کنار گذاشتن سیاست های سرمایه داری دلال خانه کرده در دولت ندارد. برای حل مشکلات کارگران باید دولت دست از حمایت اختلاس گران بردارد و کارخانه هایی چون هفت تپه، هپکو، ماشین سازی تبریز، تراکتور سازی تبریز را به مدیریتی کارگری واگذار کند. منابع مالی بانک ها باید در خدمت تولید با نظارت شدید بازرسان دولتی قرار گیرد تا به رفع فقر و بیکاری منجر شود. در این راه سندیکا‌های کارگری به ویژه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اعلام آمادگی می کند.

باز هم می‌گوییم سرکوب چاره کار نیست. منافع ملی ما امروز حکم می‌کند که شرایط اقتصادی را باید تغییر داد. اگر دولت امریکا برای حفظ منافع اقتصادی خود واردات فولاد از چین را متوقف می‌کند و قوانین بین‌المللی را به نفع مردم کشورش زیر پا می‌گذارد دولت ما چرا باید همچنان بر واردات پافشاری کند و به جای تعلل خرید ریل از ذوب آهن اصفهان همچنان ارزهای با ارزش را به وارد کنندگان مافیایی برای خرید ریل از چین و هند اختصاص دهد؟

بحران همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی ما را در بر گرفته است و با این سیاست‌ها چشم اندازی برای حل آن وجود ندارد و به اعتراضات بیشتر دامن خواهد زد.

ما ضمن حمایت از اعتراضات کارگری هرگونه بازداشت معترضین را محکوم کرده و همگامی خود را با این عزیزان اعلام می‌کنیم.

ما خواهان آزادی بی‌قید و شرط همه معترضین به سیاست‌های ضدمنافع ملی هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۷

تا زمانی که توده مردم برای بهبود احوال یکدیگر احساس مسئولیت نکنند هیچگاه عدالت اجتماعی تحقق نمی‌یابد !!

ه‌لن کلر

فشار بر سندیکاهای و جنبش کارگری مستقل ایران را قویا محکوم می کنیم!

فشار بر کارگران ایران برای جلوگیری از ایجاد سندیکا و تشکل مستقل کارگری همچنان ادامه دارد. کارگران به دلیل فعالیت‌های سندیکایی مورد آزار و اذیت‌های دولتی قرار می‌گیرند. دولت و وزارت کار با اخراج، بازداشت و زندانی کردن کارگران پیشرو مانع از فعالیت سندیکاهای موجود و ایجاد سندیکاهای جدید می‌شوند. اعتصابات و اعتراضات کارگری به رسمیت شناخته نمی‌شود و کارگران پیشرو در اعتصابات و اعتراضات با اتهامات واهی امنیتی بازداشت، محاکمه و زندانی می‌گردند. در همین راستا دو تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد محکوم به حبس‌های طولانی گردیده و پنج تن از اعضای این سندیکا چندین سال است که از کار اخراج شده‌اند. کارگران زندانی و اخراج شده سال‌های گذشته از سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه همچنان با محدودیت‌های فراوان برای ادامه فعالیت سندیکایی مواجه‌اند از جمله آن تبدیل قرارداد کار آنان از دائمی به قراردادی است که در نتیجه آن امنیت شغلی شان از بین رفته است. اعتراضات و اعتصابات یکسال اخیر کارگران عضو این سندیکا که عمدتاً به دلیل عدم پرداخت چندین ماهه حقوق شان صورت گرفته، به شدت سرکوب شده و ۳۵ تن از کارگران با دستور قضایی احضار و با اتهامات واهی مورد محاکمه قرار گرفته‌اند.

وزارت کار برای فریب سازمان بین‌المللی کار با کمک نهاد خانه کارگر و حزب اسلامی کار اقدام به تشکیل اتحادیه‌های صوری و وابسته نموده بدون آنکه کارگران در آنها حضور داشته باشند. شوراهای اسلامی کار، انجمن‌های صنفی و کانون عالی نمایندگان کارگر تشکل‌های وابسته به دولت هستند و در جهت اهداف دولت در تضییع حقوق کارگران حرکت می‌کنند. حتی شوراهای اسلامی کار و نهاد خانه کارگر سال ۲۰۰۵ در حمله سازمان یافته دولتی به سندیکای کارگران شرکت واحد و ضرب و شتم کارگران عضو سندیکا نقش بسزایی داشته‌اند.

در حالیکه دولت ایران توانسته سه دوره متوالی به عنوان عضو اصلی هیات مدیره سازمان جهانی کار انتخاب شود؛ باز هم اجلاس امسال ای ال او در ژنو، بدون حضور هیچ نماینده و سخنگویی از طرف طبقه کارگر ایران برگزار می‌شود. شکایت‌های

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که از سال ۲۰۰۵ در سازمان جهانی کار به ثبت رسیده و تاکنون موارد متعدد دیگری به آن افزوده شده است رسیدگی نشده و دولت ایران مجال یافته تا هر سال گزارشات غیر واقعی به آن سازمان ارائه و حق کارگران آسیب دیده را پامال کند. حتی نمایندگان سازمان جهانی کار که اخیرا به تهران سفر کرده و می توانستند از طریق ایمیل رسمی این دو سندیکا با نمایندگان واقعی کارگران دیدار کنند این مهم را انجام ندادند و در عوض با افرادی که وزارت کار تحت عنوان نمایندگان کارگر سازمان داده بود دیدار کردند.

همچنان دولت ایران مقابله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ را امضا نکرده و حقوق کارگران در رابطه با ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، حق اعتراض و اعتصاب، مذاکرات برای توافق بر پیمان دسته جمعی و را به رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین همه سندیکاهای تشکلات بین المللی را فرا می‌خوانیم تا صدای اعتراض و خواست‌های طبقه کارگر ایران در اجلاس امسال باشند.

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه ضمن محکوم کردن تعرض به فعالان سندیکایی و جنبش کارگری و همچنین سرکوب اعتصابات و اعتراض‌های کارگری از سوی دولت، بر حق تشکلیابی کارگران تاکید نموده و خواهان رفع محدودیت از فعالیت سندیکایی و صنفی کارگران و عضویت آزادانه آنها در تشکلات کارگری دلخواه شان می‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه

۷ اردیبهشت ۱۳۹۷

فراخوان سندیکاهای فرانسوی به تظاهرات در حمایت از فعالین کارگری در ایران

در ایران کارگران از ابتدایی ترین حقوق محرومند، از آن جمله:

-حق اعتصاب؛ حق تظاهرات؛ حق ایجاد تشکلات سندیکایی

هزاران کارگر به اتهام عدم رعایت موارد ممنوعه توسط رژیم دستگیر شده، بسیاری به زندان افکنده شده و در مواردی به مرگ محکوم شده اند.

ما سندیکاهای فرانسوی : س.ژ.ت(CGT) ، س.اف.د.ت(CFDT) ،
اف.اس.او(FSU) ، اونسا (UNSA) و سولیدر (Solidaires) ،
کلیه تشکلات کارگری شرکت کننده در اجلاس سال ۲۰۱۸ سازمان بین المللی
کار در ژنورا فرامی خوانیم که برای :

-آزادی سندیکالیست های زندانی در ایران؛

-ایجاد سندیکاهای مستقل در ایران؛

-حضور نمایندگان تشکلات دموکراتیک و مستقل از رژیم کارگران در هیأت
نماینده ایران در کنفرانس بین المللی سازمان جهانی کار

به تظاهرات ایستاده در میدان ملل بپیوندند

میدان ملل از ساعت ۱۲ الی ۱۵ ۲۹ مه ۲۰۱۸- ژنو

برای نمایندگان سندیکاهای شرکت کننده در اجلاس، این گردهمایی فرصتی
است که همبستگی خود را با کارگران و سندیکالیست ها در ایران اعلام دارند

توطئه جدید وزارت کار علیه سندیکای کارگران شرکت واحد از طریق فراهم کردن دیدار افراد خلع مسئولیت شده از سندیکا با نمایندگان سازمان جهانی کار

وزارت کار و خانه کارگر در جدیدترین توطئه خود علیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، برای دیدار سندیکاهای و تشکلات مستقل کارگری با نمایندگان سازمان جهانی کار (ای ال او) که به ایران سفر کرده بودند، مانع ایجاد کردند. وزارت کار در راستای سیاست های خود، تشکلات به اصطلاح کارگری که دست ساز دولت هستند نظیر شوراهای اسلامی کار را به عنوان نماینده کارگران برای دیدار با نمایندگان سازمان جهانی کار سازمان داد.

وزارت کار با توجه به اهداف ضد کارگری خود تاکنون نه تنها هیچ سندیکای کارگری در ایران را به رسمیت نشناخته است بلکه از طریق نهادهای وابسته ای همچون خانه کارگر و شورای های اسلامی کار و همراهی نیروهای امنیتی شدیدترین اقدامات و محدودیت ها علیه اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد نظیر زندان، اخراج و انواع آزار و تهدید را انجام داده است. با وجود همه این فشارها علیه سندیکا در جریان سفر نمایندگان سازمان جهانی کار، مقامات دولتی با طراحی توطئه ای جدید اینبار آقایان سعید ترابیان و حسن میرزایی، اعضای سابق سندیکا که سال هاست در جلسات و فعالیت های سندیکا حضور نداشته اند و با نظر جمعی اعضای سندیکا هیچ سمت و مسئولیتی در سندیکا ندارند، را به عنوان نمایندگان سندیکا در روز ۹۷/۲/۵ به دیدار نمایندگان سازمان جهانی کار برده اند و با اینکار پروژه جدیدی برای وارونه نشان دادن حقایق را آغاز کرده اند.

سندیکا اعلام می کند این دو تن علاوه بر عدم مشارکت در فعالیت های سندیکا در سال های اخیر با سازمان دهی وزارت کار، خانه کارگر، کانون شورای اسلامی کار استان تهران و نیروهای امنیتی در برابر اعتراضات کارگران در مورد مطالبات مسکن و تحمیل شورای اسلامی کار بر کارگران شرکت واحد

با مدیریت همکاری تنگاتنگ داشته اند، و اسناد آن در رسانه های منتسب به شورای اسلامی کار شرکت واحد موجود است. پیش از این نیز با در خدمت گرفتن سعید ترابیان و بر مبنای اعتراف وی اتهاماتی کاملاً کذب را به آقای رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکا منسوب کردند و برای توجیه زندان ایشان آن اتهامات را طی گزارشی به سازمان جهانی کار ارسال نمودند. (توضیحات کمیته آزادی انجمن سازمان جهانی کار مورخ هفدهم ژوئن ۲۰۱۷ در بندهای ۳۹۶ الی ۴۰۹، منتشر شده در سایت آن سازمان)

البته کوتاهی سیستماتیک نمایندگان سازمان جهانی کار برای ارتباط و دیدار با سندیکا نیز راه را برای این فریب کاری هموار کرده است چرا که این نمایندگان می بایست از طریق ایمیل رسمی سندیکا که طی اطلاعیه هایی در چند نوبت در سطح بین المللی اعلام شده بود اقدام می کردند. در این مورد سندیکا جداگانه اعتراض خود را به این سازمان اعلام خواهد کرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه توطئه گری سازمان یافته دولتی و فشار علیه سندیکای مستقل کارگران را محکوم می کند و خواهان رفع محدودیت های اعمال شده بر کارگران برای پیوستن به سندیکا و انجام فعالیت های سندیکایی می باشد و به حق خود بر داشتن تشکلات مستقل کارگری و سندیکایی پای می فشارد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

یکم خرداد ۱۳۹۷



رضا شهبابی و داود رضوی، نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و لقمان ویسی، فعال صنفی معلمان، برای دیدار با مسئولین سازمان بین المللی کار و سندیکاهای کارگری به پاریس رفتند



گفتگوی نمایندگان سندیکا شهبابی و رضوی بانمایندگانی از سندیکاهای فرانسه و نماینده ITUC اتحادیه سندیکاهای عمومی کارگران جهان ونماینده ای از سندیکاهای اسپانیا در مقرسازمان جهانی کار شهر ژنو



گفتگوی نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد، آقایان رضا شهابی و داود رضوی با برناتیبو عضو هیات مدیره سازمان جهانی کار در مقر این سازمان شهر ژنو

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از تعطیل نکردن کارخانه در روز کارگر

با اینکه در ماده ۲۳ قانون کار ۱۱ اردیبهشت تعطیل رسمی برای کارگران است و کارفرمایان حق ندارند در این روز کارگران را وادار به کار کنند اما از مراکز مختلف کارگری خبر می رسد که روز ۱۱ اردیبهشت را بسیاری از کارخانه ها روز کار اعلام کرده اند و کارگران را مجبور به آمدن بر سرکار نموده اند.

۱- معدن سنگ آهن بافق به کارفرمایی شرکت فکور صنعت ، گندله سازی سه چاهون به کارفرمایی شرکت پیمانکار اپال صنعت کیش از جمله این مراکز بوده اند و به کارگران گفته شده است که از اضافه کاری هم خبری نیست.

۲- کارگران نیروگاه پارس جنوبی اول بیدخون که زیر نظر شرکت شرکت فراب کار می کنند نیز به سرکار رفته و بدون در نظر گرفتن اضافه کاری مجبور به کار شده اند.

در بیشتر پروژه های نفتی کارگران بر سرکار رفته اند. در این مورد گزارشات بیشتری را در روزهای پیش رو اعلام خواهیم کرد

گزارشی از جشن روز کارگر



جشن روز جهانی کارگر در کارخانه پاک فن بخار واقع در همدان شهرک صنعتی ویان برگزار شد که در آن ۶۰ کارگر حضور داشتند. این جشن با همت کارگران و البته حمایت مدیر شرکت و با انتخاب کارگر نمونه سال و تقدیم هدایای نقدی به کلیه کارگران از جانب مدیریت شرکت پرداخت شد

گزارش برگزاری جشن روز کارگر در شرکت آذرستان

در روز ۱۱ اردیبهشت در محل سرای محله وابسته به شهرداری منطقه ۲۲ واقع در چیتگر بلوار علوم و فنون از کارگران و کارکنان کارگاه مجتمع بانک سپه که شرکت آذرستان مجری آن می باشد به مناسبت روز کارگر به صرف صبحانه دعوت به عمل آورده بودند. در این جشن حدود صد نفر از کارگران شرکت کردند. در ابتدا از افراد تست قند خون و فشارخون به عمل آمد و سپس صبحانه ای صرف شد. در گوشه ای از سالن روی یک برگ کاغذ

A۴ نوشته بود روز کارگر مبارک. روبروی میز صبحانه بنر بزرگی نصب شده بود با عنوان نذری سه شنبه ها به سلامتی امام زمان.

روز چهارشنبه هم شرکت آدرستان به مناسبت روز کارگر شیرینی پخش شد اما روز کارگر تعطیل نکردند اما به عنوان اضافه کار محسوب می شود

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کرج

۱۰۰ نفر از پرستاران، کادر فنی، کارگران خدماتی در بیمارستان های رجایی، مدنی، باهنر، امام خمینی پس از اتمام قرارداد در سال جاری تمدید قرارداد نشدند. این اخراج ها به بهانه بالا رفتن حقوق و مزایای این افراد بوده است.

با اخراج این کارکنان نیروی جدید با حقوق حداقل جایگزین خواهند شد.

همچنین مدتهاست کارکنان پزشکی در سراسر بیمارستان ها از تحت پوشش دادن بیمه مسولیت کارکنان پزشکی و درمانی خوداری کرده و کارکنان خود باید در مورد حوادث هزینه و بیمه مسولیت را به عهده بگیرند

کارگران فاقد بیمه برای بیمه شدن اقدام کنند

✓ کارگران فاقد بیمه می توانند با شماره ۱۴۲۰ تماس گرفته و یا از طریق سامانه پیامکی ۱۰۰۰۱۴۲۰ این موضوع را با سازمان تامین اجتماعی اطلاع دهند.

✱ توجه ✓ بیمه کردن کارگران بعد از ۳ ماه قانونی نیست. کارفرمایان موظف به بیمه کارگران خود از همان روز اول کار هستند.



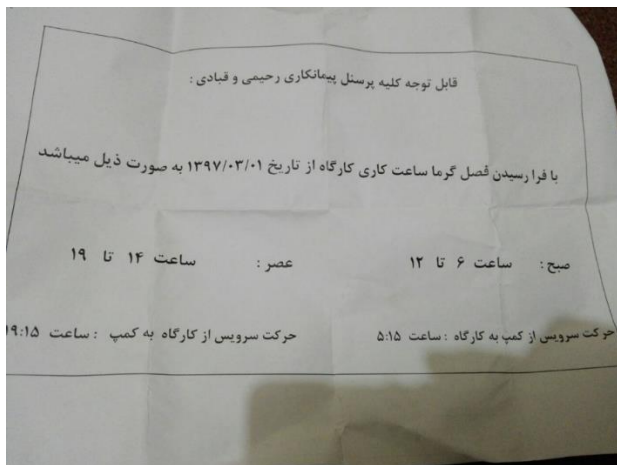
شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

کارگران ذوب آهن به خبرنگار پیام سندیکا چنین می گویند:

- ۱- کارگران کارهای سخت و طاقت فرسا را انجام می دهند تا جامعه به سوی پیشرفت حرکت کند در مقابل مسوولین نیز باید ارزش و شان کارگر را رعایت کنند و موضوع قراردادهای کارگران را بصورت رسمی در بیاورند
- ۲- مدیریت باید با راهکارهایی، شرایط مناسب برای کاهش استرس و فشار کاری را با افزودن کارگران به هر بخش تامین کند
- ۳- با تخصیص پاداش و امکانات رفاهی می توان انگیزه کاری را بیشتر کرد
- ۴- در سال ۹۶ از کارگران نمونه آن چنان که باید قدردانی نشد و این باعث تضعیف روحیه کارگران است
- ۵- آموزش کارگران و جایگزین کردن نیروی جوان و خلاق باید در صدر کارهای مدیریت کارخانه باشد و با پرورش کارگران جوان و با دستمزدی مناسب به پیشرفت ذوب آهن کمک کرد
- ۶- استفاده از تجربه و مشارکت دادن کارگران در تصمیم گیری می تواند به رفع ضعف های مدیریتی و فنی کمک برساند
- ۷- ما کارگران تمام تلاش خود را می کنیم تا با افزایش بهره وری ذوب آهن اصفهان به روزهای طلایی خود برگردد

شرکت کیسون غول ساختمانی و بدحساب برای کارگران

شرکت کیسون به رغم تماس های مکرر سندیکای ما در پرداخت حقوق کارگران متاسفانه همچنان به بدحسابی خود به کارگران ادامه می دهد از کارگران مترو اهواز تا آبفای تهران و پتروشیمی مخازن سبز



در آخرین تماسی که کارگران کیسون در پتروشیمی مخازن سبز عسلویه با ما داشتند از پروژه کیسون چنین گفته اند:

حقوق بهمن کارگران دوهفته پیش داده شده و کارگران سه ماه هنوز طلبکارند. در این پروژه یک ساعت بیشتر باید کار کنیم که ثبت می شود ولی توسط پیمانکار پرداخت نمی شود.

انان چنین می گویند: «یه زنگ بزنین به مسئولین شرکت کیسون تایم عوض کنن. ساعت ۴:۳۰ از خواب بیدار میشیم ساعت ۵:۱۵ حرکت به سمت پروژه و ساعت ۶:۰۰ شروع به کار است تا ساعت ۱۲ بعدازظهر سپس از ساعت ۲ بعداز ظهر تا ساعت ۷:۱۵ عصر که دست از کار میکشیم. تا برسیم خوابگاه

ساعت هشت شبه. تا حمام بکنیم و شام بخوریم ده میشه. واله شب هیچ استراحت نداریم شب ساعت یازده می خوابیم ساعت ۴:۳۰ بیدار میشیم. یعنی فقط پنج ساعت و نیم می خوابیم. وضعیت غذایی و حمام و سرویس های بهداشتی افتضاح است.»

نمی دانیم چه فرقی بین پسر آقای انصاری با این کارگران است. پولهای میلیاردی انصاری توسط مدیرانش و خانواده اش در مالزی و دیگر جاها در شب عید و ایام عید خرج شد، اما پولی برای خرید کفش برای زهرا کوچولو در این شرکت نبود.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه

شرکت کیسون به کارفرمایی پتروشیمی مخازن سبز عسلویه تاکنون حقوق دیمه سال گذشته کارکنان خود را پرداخت نکرده است. در این پروژه وضعیت بهداشت و غذا افتضاح است. سرویس رفت و برگشت هم برای حراست ندارد. کارگران در روز موظفند ۲ ساعت اضافه کاری کنند. این شرکت معظم با درآمدهای افسانه این چنین به کارگزارانش ظلم می کند.

کارگران ماشین آلات فاز ۱۲ هم از ۲۹ اردیبهشت به دلیل نگرفتن هشت ماه حقوق در اعتصاب هستند. کارگران مسیر رفت و برگشت را برای عبور و مرور بسته اند.

این وضعیت کارگران در پروژه های نفتی پول سازترین صنعت کشور است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران شرکت کیسون:



۷۰ کارگر پروژه باغ کتاب شرکت کیسون یازده ماه حقوق و سنوات ۱۱ سال کار خود را از این شرکت غول پیکر ساختمانی طلبکارند. این کارگران همگی قرارداد موقت بوده و کارگرانی با ۱۱ سال سابقه طلبکار این شرکت هستند. در سال گذشته این کارگران را با قراردادی یکساله مشغول به کار می شدند در حالی که از سال جدید با قراردادهای یک ماهه کارگران قرارداد بسته اند.

کارگران این شرکت در روز ۲۲ اردیبهشت در تهران پایین تر از میدان ونک بلوار کتابخانه ملی باغ کتاب تهران دست به اعتراض زدند. عکس زیر نشانگر این اعتراض است



گزارش گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها از رميله عراق

امروز ۱۸ اردیبهشت با اتحاد کارگران ایرانی شاغل در رميله عراق اعتصابی در جهت دریافت حقوق معوقه از بهمن تا کنون شکل گرفت. تمامی تلاش های کارفرمای عراقی و سرپرستان ایرانی برای تفرقه بین کارگران پس از دو هفته سودی نبخشید و کارگران دست به اعتصاب زدند.

در این اعتصاب یکپارچه ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت داشتند و با مذاکره ای سخت کارفرما را مجبور به پرداخت حقوق بهمن و اسفند نمودند. مشروط به اینکه افرادی که در اعتصاب شرکت کردند به ویژه ۱۰ نفر مذاکره کنندگان کارگری به هیچ عنوان و بهانه ای از کار اخراج نشوند

دستمزدها نسبت به خارج از کشور پایین است اما مرخصی هر چهل روز یازده روز با حقوق می باشد. دستمزد کارگران ثابت بین پنج تا شش میلیون می باشد و وضعیت کمپ و غذا تقریباً خوب است.

گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران این موفقیت را به فعالین کارگری پروژه ای در عراق تبریک می گوید.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پروژه های نفتی

پروژه نفت سنگین قشم واقع در جزیره قشم که در قرارداد شرکت پتروپی بوده و این شرکت هم قرارداد را به شرکت عمران رهگذر زاگرس واگذار نموده و پیمانکار این شرکت به نام اردشیرآذرکمان کار ساخت مخازن این پروژه را انجام می دهد. این پیمانکار با استخدام نزدیکانش و استثمار بی حد از آنان حقوق کارگران را پایین می آورد.

کارگرانی که با این پیمانکاری تسویه حساب میکنند زود آمار غذایشان را قطع میکنند و کارگر بی پول مجبور هست که با پول خود و یا قرض از کارگران غذا تهیه کند و یا هم اتاقی هایشان از غذایشان به او بدهند که با این

کار غرور و شخصیت نیروی کار بسیار خرد می شود. این پیمانکار هفتجانی هست و تاکنون گزارشهای زیادی در طول سال ۹۶ از بدحسابی و بی احترامی این پیمانکار بی انصاف و به گروه پاپیینگ و نشریه پیام سندیکا گزارش شده است....

شرکت نفت ستاره خلیج به پیمان کاری یوسفی نیز حقوق سال گذشته کارگران را تسویه نکرده است و از کارگران خواسته به شرکت شهید رجایی مراجعه کنند که در آنجا نیز نتیجه ای کارگران نگرفته اند و سرگردان مانده اند. این کارگران از خبرنگار پیام سندیکا خواسته اند مشکلاتشان را منعکس کنند

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عسلویه

پتروشیمی گچساران به کارفرمایی شرکت ناردریس و به پیمانکاری اسماعیل لیموچی حقوق کارگران را از بهمن و اسفند را تا به امروز پرداخت نکرده و حتی بیمه اسفند را هم تاکنون نپرداخته است. نه شرکت ناردریس و نه پیمانکار لیموچی به هیچ کس هم جواب گو نیست و از تاریخ ۲۰ اسفند در پروژه حضور نمی یابند.

لذا این شرکت و پیمانکارش در لیست کارفرمایان و پیمانکاران بد حساب گذاشته شده اند و توسط گروه پاپیینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران تحریم کارگری شده اند.

کارگران به این شرکت و پیمانکار بدحساب جهت هرگونه کاری مراجعه نکنند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از اعتصاب کارگران شرکت ماشین‌سازی اراک در ماهشهر



امروز ۳۰ اردیبهشت اعتصاب کارگران شرکت ماشین‌سازی اراک در ماهشهر ادامه پیدا کرد. این کارگران ۶ ماه است حقوق نگرفته‌اند و از ۲۰ روز پیش اعتصاب خود را شروع کرده‌اند. این کارگران اخراجی بدون گرفتن هیچ پولی از پروژه بیرونشان کرده‌اند.

طی نامه‌ای که کارگران روز ۳۰ اردیبهشت به حراست و اداره کار ماهشهر داده شد متأسفانه واکنشی از سوی این دو نهاد نشان داده نشد.

شرکت ماشین‌سازی اراک به مدیر عاملی مهندس زراعتی و مدیر پروژه آقای مهندس قانعی کلیه کارهایی را که کارگران انجام می‌دادند را به پیمانکار آقای محمودی داده‌اند. حتی این کارگران پیمانکاری نیز مدت ۳ ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند.

پیمانکار به کارگران معترضش می‌گوید شرکت ماشین‌سازی اراک پول بدهد تا ما هم با شما تسویه بکنیم.

کارگران خسته از بی پولی و هر روز اعتصاب و درگیری با چهره‌ای شرمنده هر روز به خانه می‌روند

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت ایساکو



شرکت ایساکو که پشتیبانی کننده قطعات برای ایران خودرو است روزکارگر را برای کارگران تعطیل اعلام کرد و مبلغ ۱۵۰ هزار تومان هم عیدی به این مناسبت به کارگران پرداخت. همچنین برای ماه رمضان هم یک بسته غذایی شامل ۱۵ کیلو برنج درجه یک گیلان، ۴ بسته پنیر، همه گونه حبوبات، ۵ کیلو مرغ به کارگران داد. البته هر ساله در رمضان بسته های خرما داده می شد که امسال داده نشد.

دادن بسته های غذایی یک دستاورد کارگری است که از سال ۱۳۱۵ تاکنون در کارخانه های بزرگ تثبیت شده است.

البته دادن این گونه بسته های غذایی در این شرکت یک روال عادی است و در شب عید نیز همه موارد بالا به همراه ۵ کیلو آجیل تواضع که بسیار گران و با کیفیت بوده و ۴ بطری روغن به کارگران داده شده است

در این کارخانه قراردادهای موقت ۶ ماهه و یکساله رواج کامل دارد. دستمزدها بیشتر حداقل حقوق است و شرکت از دادن عناوین شغلی به بیمه برای دادن حق بیمه کمتر خوداری می کند.

ترفند کارخانه های بزرگ برای عدم درج عناوین شغلی و کم دادن حق بیمه هم باعث واریزی کم به تامین اجتماعی شده و بنیه مالی تامین اجتماعی را ضعیف می کند و هم اینکه کارگر در زمان بازنشستگی از حداقل مستمری برخوردار خواهد بود.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شهرک صنعتی ساوه:

شرکت لاستیک پارس به بخش خصوصی فروخته شد. این شرکت در شهر صنعتی ساوه واقع شده است و با ۲۰۰۰ نیرو در شروع کار در سال گذشته به ۱۷۰۰ کارگر تقلیل یافت و در حال حاضر با ۷۰۰ نفر به کارش ادامه میدهد. این کارخانه توسط یک خانم که گفته می شود مدیر عامل چندین کارخانه لاستیک سازی است مانند زاگرس پارس خریده شده به مبلغ ۸۳ میلیارد تومان!!! که قیمت چند دستگاه آن نیز نمی باشد.

کارگران شرکت در حال حاضر در حالت بلاتکلیفی بسر می برند و نمی دانند که سیاست جدید صاحب کارخانه چیست؟ آیا تعدیل نیرو می کند یا نه؟ باید منتظر ماند.

در ۳ ماه اخیر حقوق ها با تاخیر ۶ روزه داده شده و در این ماه آخر با افزایش تولید ۲۰۰ هزار تومان نیز به کارگران حق اضافه تولید داده شده است. صاحب جدید اعلام کرده که تعدیل نیرو نخواهد کرد اما کارگران از این حرفها زیاد شنیده اند

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه لوله صفا در ساوه

با ورود به سال جدید کارفرمایان از هر ترفندی برای محدود کردن اعتراضات کارگران استفاده می کنند.

در یک اقدام بسیار عجیب از سوی مدیران کارخانجات لوله صفا در ساوه از روز ۸ اردیبهشت بخشی از کارگران که قراردادهای شش ماهه داشتند باید قرارداد جدید یک ماهه امضا نمایند و قرارداد قبلی خود که چند روز پیش بمدت ۶ ماه امضا کرده بودند را پس بگیرند. علت این کار کارفرما اعتراض کارگران به عدم دریافت حقوق خود بوده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه های شیشه

از کارخانه شیشه شفق واقع در شمس آباد خبر می رسد که از ۵۵ کارگر سال قبل تنها ۳۰ کارگر امسال مشغول به کارند حتا اپراتور دستگاههای سی ان سی را هم اخراج کرده اند به دلیل دستمزد زیادش و فشار کار به دوش کارگران باقی مانده افتاده است.

کارخانه آدینه جام قم کارگانش را از ۴۰ کارگر به ۱۵ کارگر کاهش داده است و کارفرما طی ترفندی کارخانه را به ۴ کارگر به مبلغ ماهیانه ۲۴ میلیون اجاره داده و این کارگران برای اینکه هزینه ها را پوشش دهند شب و روز کار می کنند.

در کارخانه جام دیس در بهارستان قم که با ۱۷ کارگر مشغول کار است به کارگران شیرینی و یک عدد ساندویچ به مناسبت روز کارگر داده شد

در هیچ کدام از کارخانه های شیشه جشن روز کارگر برگزار نشد و به کارگران هم اضافه کار تعلق نگرفت

نمونه رفتار کارفرمایان با کارگران زن در کارگاههای کوچک

سخنان یک زن کارگر نمونه ای از رفتار کارفرمایان با کارگران زن در کارگاههای کوچک را نشان می دهد:

◆ زن کارگری زنگ زد:

گفت از چند روز پیش که بازرس بیمه قرار بوده بیاید کارگاه، کارفرما به ۱۵ نفر کارگر که بیمه نیستیم گفته فعلا تا یکشنبه سر کار نیاید. همه آثار کار ما را هم پاک کرده، امروز هم حقوق این هفته را برایمان واریز کرده که حرفی ننیم. کارت ملی هایمان را هم گرو گفته است

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات رانندگان کامیون



۱- اجرای سختی کار رانندگان کامیون که در سال ۷۸ مصوب شده است که در واریزی بیمه توسط شرکت های حمل و نقل منظور نمی شود و رانندگان کامیون پس از ۳۰ سال با حداقل حقوق که برای یک کارگر ساده در نظر گرفته می شود، بازنشسته شده و مستمری می گیرند

۲- به دلیل نبود مدیری آشنا به مسایل حمل و نقل بصورت حرفه ای. رانندگان خواستار استخدام مدیری با تحصیلات در رشته حمل و نقل در سازمان هستند

۳- اجرای قوانین حمل و نقل و نظارت شدید بر شرکت های حمل و نقل که دزدان بی دردی (از سوی رانندگان خطاب می شوند) در آن لانه کرده و شریک فساد در مبادی ورودی کالاهای قاچاق هستند

۴- اجرای واریزی به بیمه تامین اجتماعی بر حسب مبلغ بارنامه ها تا رانندگان در زمان پیری از مستمری خوبی برخوردار باشند

۵- نظارت بر کمیسیون های اخذ شده از رانندگان که گاه به ۵۰ درصد می

رسد

۶- نظارت شدید بر گمرکات جهت جلوگیری از قاچاق کالا و شرکت هایی که مبادرت به این کار می کنند. تا رانندگان به دردرس پاسگاه و دادگاه نیفتند.

۸- افزایش کرایه بر مبنای رشد مبلغ دلار. چرا که مبلغ لاستیک و لوازم یدکی و روغن بر حسب دلار از رانندگان گرفته می شود

۹- امنیت جانی رانندگان در جاده ها

۱۰- حذف دلالانی که توسط شرکت های حمل و نقل برای جابجا کردن نوبت و بارهای با کرایه خوب در پایانه ها و شرکت ها فعالند

۱۱- ایجاد تعاونی های توزیع در همه شهرها توسط رانندگان برای کوتاه شدن دست فروشنده گانی که با نزول های بالا و اقساطی به رانندگان لاستیک و یا پول قرض می دهند. تا با خرید مستقیم از کارخانه های لاستیک، روغن، قطعات مورد نیاز رانندگان از شرکت ها بصورت ارزان و قسطی در اختیار رانندگان قرار دهد.

﴿اجبارکارگران به امضا قرارداد کار سفید امضا، جرم است﴾

▼ به استناد ماده ۱۰ از قانون کار ، انعقاد قراردادهای سفید امضا هر چند با توافق کارگران و کارفرمایان تخلف محسوب شده و بر اساس رویه حاکم بر مراجع حل اختلاف وزارت کار متخلفان (کارفرمایان) به مراجع قضایی معرفی میگردند! مدیران و کارفرمایان توجه داشته باشند که ، قانون کار از قوانین آمره بوده و هرگونه توافق و تراضی خارج از این قوانین باطل و برخی موارد مجازات نیز خواهد داشت .

اخبار شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران

۱- عدم دریافت افطار ناچیز و بی کیفیت، توسط رانندگان سامانه چهار بی آر تی

شنبه ۲۹ اردیبهشت رانندگان سامانه چهار بی آر تی شرکت واحد نیز از دریافت پکیج افطار ناچیز و بی کیفیت که توسط مدیریت شرکت واحد توزیع می شود خودداری کردند. اعتراضات به بی کیفیت بودن و ناچیز بودن افطار در کلیه سامانه های شرکت واحد زیاد شده است. روز ۲۸ اردیبهشت نیز رانندگان سامانه دو از دریافت پکیج افطار که توسط مدیریت توزیع می شود خودداری کردند.

۲- اجبار و فشار مدیریت شرکت واحد به رانندگان خطوط BRT برای پرکردن چهارنیم راه در ساعات کاری تخلف است.

از آنجایی که رانندگی با اتوبوس های درون شهری از شغل های سخت و زیان آور میباشد و این رانندگان در فضای استرس زا و آلوده مشغول بکار هستند. هرگونه فشار مضاعف به این رانندگان تخلف محسوب میشود و باعث تصادفات احتمالی برای این رانندگان زحمت کش و شهروندها میشود.

متأسفانه مدیران خطوط BRT ، رانندگان زحمت کش این خطوط را برای پرکردن چهار نیم راه تحت فشار میگذارند در صورتی که اتوبوس های تحویلی به رانندگان عمر مفید ۵ سال را بپایان رسانده و دائماً تعدادی از این رانندگان در تعمیرگاهها سرگردان هستند و ساعات کاریشان در تعمیرگاه بپایان میرسد. اما بجای رسیدگی به اتوبوس های فرسوده رانندگان را تحت فشار قرار میدهند تا چهارنیم راه را در قبال ۸ ساعت و نیم پر کنند.

متأسفانه مدیریت خط یک و ناحیه غرب سامانه خط یک، رانندگانی را که نمی توانند تن به این اجبار دهند با احضار آنها راتحت فشار میگذارد در صورتی

که رانندگان درازای ساعات کاری حقوق دریافت میکنند و این درخواست و تعیین نیم راهی را که برای رانندگان این خطوط تعیین میکنند، تخلف است و رانندگان میتوانند با شکایت در ادارات کار این تخلفات را پیگیری کنند.

۳- سهل‌انگاری و بی‌توجهی مدیریت سامانه ۴ باعث کسر مبالغی از فیش حقوق رانندگان خط ۴ سامانه ۴ گردید.

طبق مقررات راهنمایی رانندگی دستور پلیس نسبت به علائم اخباری در الویت میباشد در ماههای اخیر جریمه های سنگینی بدون اینکه رانندگان تخلفی انجام داده باشند، از فیش حقوقی رانندگان خطوط BRT سامانه ۴ خط ۴ کسر گردیده است

از آنجایی خط ۴ از مسیر ترمینال جنوب به چهارراه پارک وی تردد دارد و از چهارراههای دشت آزادگان (جوادیه)، نواب، تقاطع خیابان آزادی و میدان توحید عبور میکند و معمولاً این سه تقاطع توسط پلیس کنترل میشود و همیشه بسیار شلوغ و پر تردد میباشد، پلیس مستقر در این سه چهارراه برای رفع ترافیک به رانندگان با توجه به قرمز بودن چراغ راهنمایی رانندگی دستور حرکت می دهند که دوربین های مسقر این حرکت رانندگان را به عنوان تخلف ثبت می کنند و عدم توجه مدیریت و مسئول امور شبکه سامانه چهار به مشکل رانندگان هزینه های زیادی برای رانندگان بوجود آورده است

طبق گزارش رانندگان این خطوط حتی اتوبوس هایی که فاقد پلاک هستند هم در این مسیر جریمه میشود و این نشانگر این است که مسئولان شرکت واحد هم در این جرائم نقش و همکاری نزدیک با راهنمایی و رانندگی دارند.

مدیریت شرکت واحد آگاه باشد در صورتی که مبالغ کسر شده از حقوق رانندگان به حساب آنان واریز نگردد، عواقب اعتراضات رانندگان این خطوط به عهده مدیریت و عوامل آنها میباشد.



بزرگداشت اول ماه مه، شهر استکهلم- سوئد

روز اول ماه مه در کنار تندیس "لامانو" گردهم آمده‌ایم. تندیس لامانو، یادمان تمامی داوطلبان مبارز و جانباز سوئدی است که در جنگ داخلی اسپانیا در دهه ۱۹۳۰ در پشتیبانی از جمهوری خواهان و بر ضد فرانکوئی فاشیست جنگیدند. در این مکان، هر ساله در روز اول ماه مه، اتحادیه سراسری کارگران سوئد (LO)، بخش استکهلم، از تمامی جریان‌هایی که نیروی داوطلب به اسپانیا فرستادند، از جمله حزب کمونیست سوئد، دعوت به عمل می‌آورد که یاد مبارزان و جانبازان را گرامی بدانند. ارکستر قبل از همه آمده و جا گرفته است، مارش‌های ماه مه را می‌نوازند، و همه را به سوی خویش فرامی‌خوانند. از همه سو می‌آیند.

با سرهایی پرشور، از هر ملیتی، لبخند به لب و سرودخوان. پرچم‌های سرخ به اهتزاز درآمده‌اند. در اینجا، هوا ابری، بارانی و سرد است، ولی قلب‌های مان از همدیگر گرما می‌گیرند. خروشی می‌شویم در دل دریای پرتلاطم انبوه شرکت کنندگان روز جهانی کارگر. پرچم در دستان رفیق کارگران بر فراز جایگاه به اهتزاز درمی‌آید. آوای درودها و سرود تبریک اول ماه مه در فضا موج می‌زند. دست‌ها به گرمی یکدیگر را می‌فشارند. گویی تمامی جهان در یکجا گرد آمده است، از آسیا تا آفریقا، از اروپا تا آمریکای لاتین. آغوش است که باز می‌شود و آغوشی دیگر را در بر می‌گیرد. حضور جوانان واقعن چشمگیر است. رفیق شل بیگدن (Kjell Bygden) از جانب حزب کمونیست

سوئد در سخنانش از جمله گفت: "فاشیسم را نمی‌توان ساده کرد و گفت فقط راسیسم [نژادپرستی] است. رسانه‌های بورژوازی و آکادمیسن‌هایش تلاش می‌کنند کاپیتالیسم و فاشیسم را از هم جدا کنند و برای مثال می‌گویند که هسته حرکت‌های فاشیستی، مخالفت با یهودیان بوده است، که این‌گونه نبوده است، بلکه حرکت فاشیستی اساساً حرکتی ضد کمونیستی بوده است. ... پس از اتمام مراسم، رفقا به سوی محل تظاهرات مستقل حزب کمونیست سوئد و احزاب برادر همراه با شعارهایی مشخص همچون: "شش ساعت کار روزانه با حقوق کامل"، "دفاع از حق اعتصاب کارگران"، "نه به ناتو و نه به میلیاردها کرون بودجه نظامی" و "سوسیالیسم از آن آینده است"، به راه افتادند تا در یکی از میدان‌های مرکزی استکهلم-میدان "هوتوریت" تجمع کنند.

میزان مرخصی استحقاقی سالیانه کارگران و ذخیره ایام مرخصی

▼ با توجه به ماده ۶۴ ق کار، مرخصی سالیانه کارگران با استفاده از مزد و احتساب ۴ روز جمعه، یک ماه است که در صورت عدم احتساب روزهای جمعه ۲۶ روز کاری محاسبه میشود. و برای کار کمتر از یکسال، مرخصی به نسبت مدت کار انجام یافته محاسبه میشود.

▼ به موجب ماده ۶۶ ق کار، کارگر نمیتواند بیش از ۹ روز از مرخصی سالیانه خود را ذخیره کند. مرخصی‌هایی که بدین طریق ذخیره شود در سنوات مختلف جمع و به حساب طلب مرخصی کارگر منظور میگردد که بازخرید مرخصی در حین اشتغال مجوزی ندارد و در هنگام خاتمه قرارداد یا بازنشستگی حساب میگردد

گزارشی از وضعیت شهرک صنعتی ویان همدان

خاکی که مُرده است!

بیش از بیست سال پیش ، در جهت زدودن چهره ی فقر در منطقه ی کبودرآهنگ ، جایی که زمین آب را به خود جذب نمی کند و مردمان این دیار مجبورند برای معاش خانواده هاشان یا مهاجرت کنند و یا در سکوتی معنا دار با فقر دست و پنجه نرم کنند شهرک صنعتی ویان در زمینی به مساحت ۳۹۸ هکتار بنا شد. قرار بود با احداث این شهرک و به کارگیری نیروی کار منطقه ، رونقی در اقتصاد خانواده ها شکل بگیرد. محیطی برای سرمایه گذاری و ایجاد کارخانه های صنعتی که کارگران بی شماری را روزی دهد. مدیر عامل شرکت شهرک های صنعتی همدان در ۴ آبان ماه ۱۳۹۱ در مصاحبه با خبرگزاری مهر اذعان کرده بود که ۷۲ واحد صنعتی مشغول فعالیت در این شهرک هستند. یعنی چیزی حدود ۱۷۰۰ نفر مشغول به کارند .

اما در گزارش امروز ، سی ام اردی بهشت ۱۳۹۷ :

۲۹ واحد اسمن فعال هستند که به طور دقیق تر باید گفت تنها نیمی از این کارخانه ها فعالیت کاری دارند. ۴۹ واحد ، تعطیل مطلق و به ظاهر ۱۰ واحد در حال تجهیز. این نیز به طور دقیق تر ۲ واحد در حال تجهیز می باشد و الباقی سوله هایی نیم ساخته و رها شده اند .

کارگران در این منطقه محروم بیکارند. وقتی در شهرک صنعتی ویان گشتی می زنی ، احساس می کنی در خرابه ای باستانی ، سوت و کور گیر کرده ای. هیچ صدایی نیست. جز صدای بیکاری کارگران که روزی قرار بوده لقمه نانی بر سر سفره ی خانواده هاشان ببرند .

در این شهرک صنعتی قراردادهای کارگران یک ماهه و حداکثر سه ماهه بوده و فقط در کارخانه های الوان ثابت و پاک فن بخار قراردادهای اغلب یک ساله است.

کارگر فلزکار مجید

دغل بازی شرکت ها و سرنوشت کارگران در آلمان

در این روزهایی که در ایران ورشکستگی کارخانه ها و شرکت ها بیداد می کند بدنیست به یک دستاورد کارگری در آلمان اشاره ای داشته باشم.

شرکت ما با ۹ اتومبیل سواری ، مورد بازنگری اداره مالیات قرار گرفت ! این بازنگری مربوط میشد به سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ . ماموران مالیاتی بعد از سه ماه تحقیق به این نتیجه رسیدند که صاحب شرکت بصورت سیستماتیک و گستاخانه ای مدارک مربوط به شرکت را دستکاری و یا نابود کرده ! به همین دلیل ادامه تحقیقات را بی ثمر دانستند و صاحب شرکت را بصورت تخمینی جریمه کردند !

میزان جریمه به قدری بالا بود که با احتساب طلب ادارات بیمه صاحب کار خود را ورشکسته اعلام کرد ! بلافاصله دفتر وکالت رسیدگی به ورشکستگان تمام امور شرکت را بدست گرفت ! بعد از چهار ماه شرکت به فروش رسید ! دو ماه از حقوق کارکنان را دفتر وکالت پرداخت کرد ! دو ماه را واگذار کرد به ((اداره کار شعبه رسیدگی به کارکنان شرکتهای ورشکسته)) این شعبه هم بعد از یک ماه ، دو ماه حقوق عقب افتاده کارکنان را پرداخت کرد ! و بدین ترتیب داستان ما به آخر رسید!

شرکت فروخته شد و خریدار ملزم!!! است کارکنان را نگه دارد !

صاحب قبلی شرکت تا شش سال آینده درآمد ماهیانه اش (اگر داشته باشد) را باید نشان دهد ! بعد از کسر حداقل زنده ماندن بقیه درآمدش را می گیرند !

فرستنده : آقای دانش



قهرمانان و کوهنوردان گلگون کفن
از راست به چپ: ناصر گارسچی، اسکندر صادقی، جلیل انفرادی

اسکندر صادقی نژادها همیشه زنده اند!

امروز ۳ خرداد سال روز جان باختن کارگر همیشه زنده، اسکندر صادقی نژاد است. او از اوان جوانی به مسایل کارگری علاقه داشت و پس از پیوستن به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در تهران برای بهبودی وضعیت خانواده های زحمتکش کوشا بود. این کارگر میل لنگ تراش دو دوره به همراه جلیل انفرادی دیگر عاشق تهیدستان، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکارمکانیک شد و به کارگران خدمت کرد.

اسکندر صادقی نژاد، جلیل انفرادی، ناصر گارسچی از سنگ نورادن به نام دهه ۴۰ کوهنوردی ایران هستند. جان پناه کارگر توچال از خدمات گروه کوهنوردان فلزکار به بنیان گذاری این تلاشگران است.

اسکندر صادقی نژاد در راه آرمان های کارگرایش در سوم خرداد ۱۳۵۰ فدایی خلق شد.

یادش گرامی باد و نامش زیننده قلب همه دوستداران زحمتکشان است.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۳ خرداد ۱۳۹۷

کشاورزانی که از اینجا رانده و از آنجا مانده اند!

چهار دهه بی برنامه‌گی در عرصه دستیابی به توسعه پایدار بخش کشاورزی و زیر مجموعه کشاورزی مانند مرغداری و شیلات و قارچ و.... منجر به از هم پاشی خانوارهای کشاورزی شده و با مهاجرت از روستاها و تعطیلی و تخریب روستاها گشته است. و از آنجایی که دولت‌ها ی بعد از جنگ به دلیل ماهیت طبقاتی و تاریخی خود تمامی طرح و برنامه خود را بر ارکان تجارت استوار نموده اند و با اتکا بر تجارت حمله ای غیر معقول و نامتعارف بر سکوهای تولید اعم از صنعتی و کشاورزی و.... داشته اند و امروزه شاهدیم که سیاست دوری از تولید و اتکا بر واردات چه عقبه دهشتناکی را بر کشور تحمیل نمود و به عینه ناظر بالاترین سطح بیکاری و فقر و به تاسی از آن بالاترین امار معضلات اجتماعی مانند تن فروشی و اعتیاد و دزدی و.... می باشیم. نابودی حداکثری محیط زیست و تسلط کشورهای سرمایه داری بر تمامی مسائل اجتماعی جامعه اعم از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و.... به دنبال داشته است

به دنبال نابودی سکوهای تولید کشاورزی، کشاورز مقهور سیاستهای مافیای غارت که بر جامعه مسلط بودند گشته و توده وسیعی از تولید کنندگان عرصه تولید کشاورزی را به حاشیه کلان شهرها کشانده و این قشر زحمتکش و نان آور تمامی جمعیت کشور را به تکدی گری و دستفروشی و همچنین کارهای خلاف کشانده است. آنهایی هم که در شهر و روستا و دیار خود باقی ماندند بدون هیچ امید به حال و آینده در فقر و فلاکت مطلق در روز شمار فرا رسیدن مرگ خود می باشند و به دلایلی مانند بحران آب و تسلط بی چون و چرای دلالان و سلف خرها و همچنین تولید پایین به دلیل شیوه اعصار کهن و دلایل بیشمار دست از حد اقل تولید شستند و از حداقل درآمد نیز محروم

شدند و بدون هیچ امکانات زیستن مانند بیمه و حقوق بازنشستگی و بهداشت و تغذیه و.... ادامه حیات میدهند

دوستان کارگر سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

سالیانی هست به چشم خود تکدی گری کشاورزان را در شهر خودم شاهدم کشاورزانی که نیم قرن به مثابه بردگان دلان و سلف خرها و مافیایی که بر بخش کشاورزی تلاش کردند و فقط سهم آنها از آن همه تلاش و رنج تولید اندک غذایی بود که شکم خانواده خود را سیر کند و مقولاتی مانند بهداشت و مسافرت و شکم سیر به مثابه مصرف کالای لوکس برای آنها تلقی می گردد و اکنون در کهنسالی با از دادن توان و انرژی خود تنها راهی که برای زنده بودن خود و خانواده خود سراغ دارند فقط گدایی میباشد هر چند در نهایت خجالت و شرمندگی دست به این کار میزنند. یک هزار تومان نان نسیه برای خانواده پنج یا شش نفری خود خریداری می کنند و پوشاک نو و خوردن گوشت و میوه و ... تبدیل به آرزویی غیر قابل دستیابی شده است.

سیاوش دهقانی

حداقل ساعت کارکرد یک کارگر در ماه باید ۱۷۶ ساعت باشد یا ۲۲۰ ساعت ؟

پاسخ: بنابر ماده ۵۱ قانون کار ساعات کاری کارگر نباید در روز از ۸ ساعت و در هفته از ۴۴ و در ۴ هفته ی متوالی از ۱۷۶ ساعت تجاوز نماید. برای احتساب حقوق ماهیانه اگر ماه را ۳۰ روزه در نظر بگیریم ساعات کار برابر ۱۷۶ ساعت به علاوه ۱۶ ساعت (۲ روز باقی مانده) خواهد بود که جمعا معادل ۱۹۲ ساعت در ماه های سال است.

خالی بودن سفره منشا اعتراضات است.



خاستگاه اعتراضات کارگری رخ داده در ماه گذشته سراسر کشور چیست؟ چرا کارگران مجبور هستند از راه اعتراض مطالبه‌گری کنند؟ عبدالله وطن‌خواه، معتقد است که «تکتک اعتراضات کارگری منشا، خاستگاه و دستوردهنده دیگری جز خالی بودن سفره ندارد.» او همچنین اعتراضات هپکو و نیشکر هفت تپه را نمونه‌هایی از شکست سیاست خصوصی‌سازی می‌داند....

منشا افزایش اعتراضات کارگری در این مدت چه بوده است؟

واقعیت این است که تک تک اعتراضات کارگری منشا، خاستگاه و دستوردهنده دیگری جز خالی بودن سفره ندارد. بزرگترین چیزی که به کارگران امر می‌کند تا برای بقای‌شان حرکت کرده و به اندازه توان خود اعتراض کنند، سفره‌شان است. ما کارگران دارای تشکلی نیستیم. همه نیروهای طبقاتی در این جامعه دارای خاستگاه‌ها و ابزارهای اعمال قدرت هستند؛ اما کارگران حتی برای دریافت دستمزد مدت‌ها کار خودمان باید نذر و نیاز کنند که کارفرما دستمزد را معوق نکند. آنقدر دستمزدمان معوق نماند که گرانی ارزش پول مان را کم کند. کارفرما از ارزش اضافه‌ای که کارگر تولید

کرده، استفاده می‌کند ولی حتی همین دستمزد کمی که کارفرما تعهد کرده تا بپردازد، باز هم عقب می‌افتد. نمی‌دانیم که بدون دستمزد چگونه باید زندگی کنیم.

سیاست‌گذاری‌ها در اعتراضات چه نقشی داشت؟

اصلی‌ترین منشا این اعتراضات سیاستی است که تحت عنوان خصوصی‌سازی در کشور اعمال می‌شود. تصور می‌کردند این سیاست راهگشا است. اما هفت تپه و هپکو نشان داد که دولت ناچار به دولتی‌سازی است. برای یک کارگر تفاوتی ندارد که کارفرمایش دولت باشد یا فردی خاص اما وقتی می‌بینیم که با بازگشت هپکو به دست دولت حقوق‌ها پرداخت می‌شود، خوشحال می‌شویم. هیچ یک از ما کارگران اقتصاد دان نیستیم اما وقتی که با این دستمزد می‌خواهیم مایحتاج روزانه تهیه کنیم، می‌بینیم با حقوق ماه قبل نان و پنیر داشتیم اما الان نان خالی هم نمی‌توانیم بخریم.

ما اقتصاددان نیستیم اما تمام زندگی مان مبتنی بر این است که تورم و گرانی همه نیروی کار ما را صرف می‌کند، وقتی از ناچاری اعتراض می‌کنیم با ما برخورد می‌شود. طبق ماده دوم قانون کار، کارفرما موظف است که دستمزد را پرداخت کند. اما نمی‌توانیم از خودمان در حد حقوق انسانی و صنفی‌مان دفاع کنیم.

منشا اساسی اعتراضات، نبود امنیت شغلی و دستمزد پایین است که دست در دست سیاست‌های خصوصی‌سازی داده و همه آنها ما را وادار به اعتراض می‌کند.

**روزنامه اعتماد- عبدالله وطن خواه بازرس تعاونی مصرف
کارگران فلزکارمکانیک**

سندیکای کارگران صنعتی آلمان فراخوان اعتصاب داد کارفرمایان به دنبال افزایش ساعات کار

سندیکای کارگران صنعتی آلمان (IG Metall) برای برگزاری یک اعتصاب بزرگ فراخوان داده است.

به نقل از رویترز، سندیکای کارگران صنعتی آلمان (IG Metall) که قوی‌ترین سندیکای کارگری این کشور است، برای برگزاری یک اعتصاب بزرگ فراخوان داده است. از قرار معلوم مذاکره برای افزایش سطح دستمزدها و کاهش ساعات کار در روزهای پنجشنبه، به نتیجه نرسیده است.

«جورج هافمن» رئیس این سندیکا در رابطه با این فراخوان به رویترز گفته است: جنبش اعتراضی ما بسیار فراگیر است چراکه مذاکرات با کارفرمایان به نتیجه نرسیده است. حدود ۴ میلیون کارگر عضو IG Metall هستند و پیوستن آنها به اعتصاب بسیاری از بخش‌ها را موقتا به تعطیلی می‌کشد. این سندیکای کارگری همچنین به دنبال کاهش ساعت کار کارگرانی است که در خانه؛ کودک و مریض دارند و کسی را برای نگهداری آنها ندارند.

قرار است ساعت کار این کارگران که اکثرن زن هستند؛ از ۳۵ ساعت در هفته به ۲۸ ساعت کاهش یابد. با این حال کارفرمایان چنین استدلال می‌کنند که کارگران آلمانی همین حالا کمتر از سایر کارگران اتحادیه اروپا کار می‌کنند.

کارفرمایان تاکید دارند که اگر اقتصاد آلمان می‌خواهد برای خود در سطح اروپا مزیت رقابتی ایجاد کند باید ساعات کار را افزایش دهد. اتحادیه کارفرمایان صنعتی آلمان در این باره به رویترز گفته است: در بریتانیا کارگران ۳۷ ساعت، در اسپانیا ۳۸ ساعت و در فرانسه حدود ۳۶ ساعت کار می‌کنند، اما آلمانی‌ها می‌خواهند کمتر کار کنند.

علاوه بر کارگران IG Metall قرار است که سندیکای کارگران صنایع شیمیایی و معدنی موسوم به IG BCE به این اعتصاب‌ها بپیوندند. منبع ایننا



سهادالخطیب خانم کمونیستی که از نجف اشرف به مجلس عراق راه یافته است. ایشان عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق است

در عراق ۱۶ کمونیست به مجلس را یافتند

دو تن از این کمونیست ها خانم هستند

خانم کمونیستی که از نجف اشرف و شهر کربلا انتخاب شده است محجبه است

خانم کمونیستی که از بغداد انتخاب شده است بی حجاب هستند

مراجع کربلا و بغداد هم اعتراضی نکرده اند

رعایت حقوق شهروندی یعنی این

دروود به کارگران سرزمینم و ننگ به دزدان سفره هایمان

صدای ما شنیدنی است و طبق گفته زنده یاد فروغ فرخزاد (تنها صداست که می ماند)... صدای ما ندای دادخواهی ماست که برای رسواگری دزدان سفره هایمان از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد. سرپای وجود دزدان سرزمینمان ایران فقط با دروغ بسته شده است که برای رسیدن به آبشخور سودورزی از تمامی صفات نیک انسانی می گذرند و چهره اهریمنی خود را در زمان مناسب به نمایش می گذارند.

پروژه نفت سنگین قشم به کارفرمایی پتروپی، شرکت عمران رهگذر زاگرس که هم اکنون در ابتدای کار خود هست و بعد از عملیات سیویل برای مخزن سازی هم اکنون تجهیز کارگاه نموده است و مشغول ساخت ساپورتهای مخازن هست شوربختانه هیچگونه ارزشی برای نیروی کار انسانی قائل نیست و کمترین نرخ چندرغاز حقوقی را به کارگران تحمیل نموده است و هیچگونه مزایای حقوقی کارگری که شامل عیدی و سنوات و حق مرخصی و حق اولاد و بن کارگری و... است را به کارگران نمی دهد و با چهره ای افاده ای و طلبکارانه می گویند که مزایای کارگری را به همراه حقوق می دهند. این در صورتی هست که هزینه رفت و برگشت کارگران به قشم نزدیک به چهارصد هزار تومان می باشد و هم اکنون در سال ۱۳۹۷ هستیم که به میزان پرداخت دستمزد حقوقها بیست درصد اضافه شده است و تورم لجام گسیخته که حاصل بی خردی مسئولین مملکتی است حد و مرزی در جهت تصاعدی ندارد و تناسب ارز و دلار به فتواها و زد و بند نامیمون سرمایه داران وابسته است. حرکت بسیار شرم آور دیگر از جانب رئیس کارگاه شرکت عمران رهگذر زاگرس به کارفرمایی پتروپی آن هست که در هنگامی که نیروها زنگ می زنند و شرایط حقوقی را می پرسند ایشان رنج بالای حقوقی به همراه تمام مزایای کارگری را بیان می نمایند و پس از مدتی به نیرو خواهند گفت که هیچگونه مزایای کارگری نداریم و از سخنانی که گفته بود طفره می رود. دیگر اینکه نفراتی از خودشان را بین نیروها می گمارند تا آمار بسیار بالای کارکرد بدهند و فشار کاری سخت را با دادن آمار بیشتر به نیروها محدود بنمایند تا از این راه اختلاف بین نیروها بیندازند و نیروها را به سبب اینکه

آمار کارشان نسبت به کارگر پادوی خودشان کمتر است را رنج حقوقی چندرغاز که مربوط به سه سال پیش است را با بی ارزش کردن کارکرد کارگران به آنها تحمیل بنمایند و با این کارشان عزت نفس را در نیروها بخشکانند که هیچ گونه توجیهی برای دفاع کردن از حقوق خودشان را نداشته باشند. کارگری ادعا میکرد که هنوز بعد از نزدیک به دو ماه هنوز حقوق مرا مشخص نکرده اند و مسئولین شرکت فقط به او قول می دادند که حقوقتان را درست می نمایم و این کارگر دچار خودخوری شده بود که برای رهایی از این سرگردانی و چپاول حقوقی به دنبال چه راهی باشد؟ حقوق کمکی ها را در مدت ۲۴ روز ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار زده بودند که بخاطر اعتراض شدید کارگران کمکی و تسویه کردن بخاطر این مورد، آن را به ۱ میلیون ۵۰۰ هزار تغییر داده اند. بهتر است بدانید که کارگرانی که بخاطر اعتراض به وضعیت رنج حقوقی تسویه حساب کرده بودند را حتی یک ریال هم مساعده و کرایه راه نداده اند. وضعیت در پروژه های صنعتی بسیار بحرانی است و یکی از دوستان مهندسمن گفته است که از سال ۹۶ به مقدار ۳۰ میلیون تومان طلب دارم و بسیار از وضعیت موجود گله مند و شاکی بوده است. تنها راه نجات از این وضعیت پیش رو آن هست که کارگران پس از یک ماه کارکردن برای گرفتن حقوقهایشان اعتصاب و اعتراض بنمایند و شرایط موجود را نپذیرند. تا پولتان را از شرکت و پیمانکارها نگیرید به هیچوجه سرتان را پایین نیندازید و نروید؛ چرا که با سر پایین نگهداشتن خود ناچار خواهید بود سیخ داغ بی عرضگی و پستی را بر تن خودتان بمالید... تنها راه نجات از این شرایط نکبت حقوقی فقط جسارت و همگامی با افراد خردگرا و نترس برای گرفتن حقوق خودتان خواهد بود...

**با سپاس (وارتان خرمدين عضو سندیکای کارگران
فلزکار مکانیک ایران .. ۱۳۹۷/۲/۲۵)**

کارخانه ذوب آهن به معنای استقلال صنعتی



یکی از تلاش‌های همه دولت‌ها داشتن استقلال سیاسی و استقلال صنعتی است. که بی تردید استقلال اقتصادی نشانه‌ای از رویکرد استقلال سیاسی است. امروز کشور ما به دلیل وابستگی شدید صنعتی به دولت‌های اروپایی و آمریکایی با هر نوسانی در عرصه سیاسی دچار مخاطرات اقتصادی می‌شود که نمونه بارزش بالا رفتن دلار و افزایش قیمت کالاها و تورم است. به همین خاطر و به مناسبت ۵۰ سالگی ذوب آهن تاریخچه‌ای از ساخت این صنعت مادر و اثرگذاری آن را شرح می‌دهم.

اولین تلاش برای احداث ذوب آهن بر می‌گردد به حدود سال ۱۲۶۴ شمسی که حاج امین‌الضرب مجوز تاسیس کارخانه ذوب آهن در شهر آمل را برای مدت ۳۰ سال بصورت انحصاری از ناصرالدین شاه گرفت. او برای احداث چنین کارخانه‌ای به خرید توربین‌های بخار و کوره‌های دمشی و سایر تجهیزات از یک شرکت فرانسوی اقدام کرد. اما به دلیل کارشکنی‌های عوامل انگلیس که به او تهمت ارتباط با بیگانگان زده بودند، اموالش توقیف و به پرداخت ۷۶۵ هزار تومان محکوم گردید.

در سال اسفند ۱۳۰۵ در مجلس شورا تصویب شد تا از درآمد قند و شکر بودجه ای ۴/۵ میلیون تومانی برای احداث ذوب آهن فراهم شود. در حقیقت نه از ثروت مردم ایران که به جیب رضاخان می رفت بلکه از جیب مردم. هر چند که رضاخان ترسو تر از این حرف ها بود که بتواند علیرغم دستور ارباب بزرگ انگلیس چنین کاری را بکند.

دومین تلاش در سال ۱۳۱۶ و با چرخش رضاخان به سوی آلمان ها صورت گرفت. آلمان ها برای اینکه سیطره سیاسی خود را در ایران محکم کنند به ایران پیشنهاد دادند که در شهر کرج ذوب آهنی به ظرفیت ۱۰۰ هزار تن فولاد ساخته شود که با دوسال تلاش و ساخت و نصب اسکلت ها پایه ریزی شد که با شروع جنگ دوم جهانی و ورود متفقین به ایران در سال ۱۳۲۰ و قدرت گرفتن عوامل فرماسیونری انگلیسی ناتمام رها شد و هرگز پیگیری نشد.

در سال ۱۳۳۹ و با آمدن متخصصین فرانسوی به دولت ایران پیشنهاد شد که در فاصله بین شهر کرمان و بافق یک کارخانه ذوب آهن به ظرفیت ۶۰۰ هزار تن تولید فولاد ساخته شود. اما عوامل خودفروخته ایرانی به همراه عوامل انگلیس و آمریکا که از هرگونه استقلال صنعتی و سیاسی وحشت داشتند از این پیشنهاد جلوگیری کردند. کارشناسان شرکت «کایزر» آمریکایی معتقد بودند که «ایجاد ذوب آهن در ایران با صرفه نیست» و وزیر صنایع نیز در سال ۱۳۴۱ اظهار داشت «ما پول و وسایل لازم برای تاسیس ذوب آهن نداریم» و صد البته که شاه باید از درآمد کشور دست به چنین کاری می زد و این باعث می شد که برای خوشگذارنی هایش پول کمتری بماند. برای قمار بازی ها و عیشی های شاه پول باید همیشه به اندازه کافی در خزانه موجود می بود.

از سال ۱۳۴۴ و با گسترش روابط تجاری ایران و همسایه شمالی «اتحادشوروی» متخصصین روسی به ایران پیشنهاد دادند با مهار گازهایی که در مناطق نفتی هر روزه به هدر می رود و لوله کشی آن به شوروی که خود بزرگترین منابع گازی در دنیا را دارد، می توانند از محل درآمد صدور این

گازها به اتحاد شوروی، احداث کارخانه ذوب آهن را در محل فعلی که نزدیک به مناطق سنگ آهن است را آغاز کنند.

در ۲۳ اسفند ۱۳۵۱ با تولید کوره بلند افتتاح رسمی کارخانه شروع شد و آرزوی ایرانیان پس از قریب ۸۷ سال محقق شد و ایران صاحب اولین کارخانه مادر در ایران گردید و توانست از واردات بخشی از اقلام آهنی به کشور جلوگیری کند.

این درحالی بود که کشورهای انگلیس و آمریکا با دادن کارخانه های مونتاژ، استقلال صنعتی ایران را هرچه وابسته تر به خود کرده بودند. و امروز پس از گذشت سالها هنوز ذوب آهن در خاورمیانه بی نظیر است و استقلال صنعتی ایران را تا حدودی تداوم بخشیده در حالی که کارخانه های مونتاژ با سیاست های جهانی و تحریم به زائده ای بی مصرف تبدیل می شوند.

پس از این افتتاح، کارخانه های ماشین سازی تبریز و اراک، تراکتورسازی تبریز نیز به جمع کارخانه های مادر پیوستند که از سوی کشورهای بلوک شرق ارایه شد.

اما آنچه اتفاق افتاد بنیان گذاری صنایعی بود که نه متکی به کشورهای دیگر بلکه قائم به خود بود. پس از قدرت گرفتن سرمایه تجاری در دولت های بعد از انقلاب، تمام تلاش نفوذی های مافیایی این بود که این کارخانه ها به نابودی کشانده شوند و محصولات این کارخانه ها توسط سرمایه داری دلال تامین شود که موفق هم شدند. در حال حاضر ماشین سازی ها و تراکتورسازی و کارخانه بنز خاور و حتا کارخانه هپکو که ماشین آلات سنگین راهسازی تولید می کرد به فلاکت افتاده اند. در عوض ماشین آلات بی کیفیت چینی جایگزین این کارخانه ها شده و کارگران کارخانه های نامبرده یا در خیابان ها دستفروشی کرده و یا به دلالی افتاده اند.

سرمایه داری تجاری تمام تلاش خود را کرد تا ذوب آهن را نابود کند با گماردن مدیران نالایق، دزدی های کلان، به روز نکردن کارخانه و حتا امروز

که ذوب آهن پس از ۱۵ سال به سوددهی رسیده است مافیا از خرید ریل ملی خوداری می کند. ریل از هند و کره به کشور وارد می شود اما از خرید ریل ذوب آهن که تحت آخرین استانداردها آماده می شود خبری نیست. با آنکه به راه آهن از سوی دولت گفته شده است که از ذوب آهن ریل بخرد اما مدیر عامل راه آهن فقط قول خرید می دهد و دو سال است که این خرید اعمال نمی شود. چرا؟! این خیانت آشکار مافیای تجاری به منافع ملی است.

اما مهمترین موضوع در احداث کارخانه ذوب آهن افزایش کمی طبقه کارگر و همچنین فعالیت کارگران سندیکایی برای بالا بردن کیفیت دستمزد و آگاهی کارگران بود. که در حوادث بعدی تاریخ ایران سرنوشت ساز شدند.

یکی از دستاوردهای کارگران سندیکایی در ذوب آهن موضوع ساخت خانه های سازمانی بود که به کیفیت دستمزد کارگران افزود و باعث شد کارگران هزینه ای بابت اجاره خانه نداشته باشند. تاسیس باشگاه ورزشی ذوب آهن و راه اندازی گروه کوهنوردی کارگری، کلاس های آموزش ضمن خدمت و ... از دیگر مسایل رفاهی بود. از باشگاه ذوب آهن قهرمان جهان کشتی آزاد، سبحان روحی بیرون آمد که کارگر کارخانه بود. هر چند که امروز باشگاه آن کارکرد واقعی خود را از دست داده است، اما هنوز بخش ورزشی کارخانه فعال است.

این نوشته را تقدیم به کارگران با غیرت سندیکایی، کارگر سندیکالیست معروفی و جعفری می کنم که خدمات شایسته این فرزندان کار و تلاش همچنان در کارخانه ذوب آهن پا برجاست.

مازیار گیلانی نژاد

۲۷ فروردین ۱۳۹۷

اهداف و دستاورد اعتصاب اخیر چه بود؟



خوشبختانه اعتصاب هفت تپه هم به پایان رسید بعد از پایان آن لازم است بررسی کنیم که در جریان این اعتصاب چه نفع و خیریه به کارگران رسیده است؟ تا چراغ راه آینده از حیث مطالبه گری باشد. می دانیم که، اعتصاب، حرکت جمعی کارگزارانست برای درخواست مطالبات و خواسته های بحق کارگری که از سوی کارفرما نادیده گرفته شده باشند. در یک اعتصاب، باید اهداف، تاکتیک و استراتژی مبارزه طبقاتی، بر این اصل ساده و بدیهی استوار باشد که این حرکت جمعی باید به بهبودی شرایط کار و در نهایت زندگی ما منجر شود. حال که این تعریف و هدف از یک اعتصاب را بصورت خلاصه بررسی کردیم، می خواهیم بدانیم که دستاورد اعتصاب یک هفته ای اخیر چه بوده است؟ بقول معروف، برای کارگر چه خیری داشته است؟ می دانیم که هدف اصلی از اعتصاب اخیر (لااقل آن چیزی که در فضای علنی عنوان میشد) بحث معوقات حقوقی بود. از طرف دیگر، در هفته ی گذشته، با پیگیری و چانه زنی که با کارفرما داشته ایم باید همان هفته قبل، حقوق دیمه را می گرفتیم و امروز فردا هم، پاداش آخر سال را دریافت می کردیم. همین طور باقی خواسته ها، اما در عمل با اعتصاب شتاب آلودی که اتفاق افتاد مسئله ای که گویا برخی افراد مثل سوزن یک کاره، از مبارزه کارگری فقط همین یک اصل را یاد گرفته اند و هیچ برنامه خاصی در این باره هم ندارند، اکنون بیش از یک هفته می گذرد ولی کارگران، هنوز هیچگونه حقوقی هم دریافت نکرده اند. بعبارت ساده تر، این اعتصاب بجای اینکه امر پرداخت حقوق و خواسته های کارگران را تعجیل و تسریع کند برعکس، خود به سد و مانعی، جهت دریافت مطالبات کارگری بدل شده بود. این مسئله نشان می دهد که وقتی از یک اهرم مبارزه طبقاتی، بخوبی و در جای مناسب استفاده نشود، نتایج معکوسی ببار می آورد. بحث تاخیر یک هفته ای در امر پرداخت دستمزد کارگران، تنها بخش کوچکی از خسارتی ست که این اعتصاب به همراه داشت. بیش از یک هفته جنگ اعصاب و روان و

ایجاد فضای یاس و ناامیدی در خانواده ها ، تندروی برخی افراد افراطی و ضرب و شتم تعدادی از مدیران شرکت و همچنین با تعطیلی کارخانه ، بیش از یک هفته به کار و تولید هم خسارت وارد شد. اینها خلاصه ای از دستاوردهای این اعتصاب بود که هم به ضرر کارگر تمام شد و هم کارفرما. خنده دارتر اینکه ، همانطور که در بیاتیه ای که هفته پیش صادر کردیم و چه بخشنامه ای که کارفرما صادر کرد ، عده ای با به وسط کشانیدن شورای تامین و غیره و از آنجایی که سخن گفتن، مالیات ندارد برخی با سر دادن شعارهایی مانند ، خودمان اداره می کنیم و عزل و نصب می کنیم و آسمان ریسمان کردن و با مدد از این و آن، به اضافه خسارتهای گفته شده ، آخر همان چیزی شد که در بخشنامه کارفرما عنوان شده بود. رفقا و همکاران عزیز ، اگر اینها خسارت نیست، پس چیست؟ من نمی خواهم کسی را متهم کنم. بحث من اعمال سیاستهای اشتباهی است که صورت گرفته است حالا به هر دلیلی. اصل ماجرا، فاصله گرفتن از منافع کارگر و پناه بردن به گفتمان هایی است که تخریب، ماجرا جویی و خبر سازی در گفتمانشان محوریت دارد. این سبک از بلوا محوری و آکسیونیسیم، بخاطر نقاب رادیکالی که به خود میزند مانع از رفتن به سوی نیاز ضروری اقدامهای کارگری می شود. وقتی سوار موج خشونت باشی و از روی این موج به کنش و واکنش کارگری پرداخته شود، دیگر کسی به فکرش نمی رسد که بپرسد برای تشکل یابی و هدف گذاری برای اقدامات عقلانی آینده، چه برنامه ای داری؟ اینها بخشی از اشکالاتی است که در مبارزه کارگران هفت تپه برای رسیدن به زندگی بهتر ، بوجود آمده است که بخش مهمی از تقصیر همانطور که قبلا گفته ام به جناب آقای پاول دورف ، بنیان گذار تلگرام برمی گردد که به برخی افراد نامربوط و غوغا سالار ، فرصت عرض اندام و دیده شدن ، داد بدون آنکه به آرمانهای طبقه کارگر ، وفادار باشند.

اما در آخر ، ما خیلی خوشحال خواهیم شد که برای هرچه بالنده شدن جنبش کارگری و بررسی تاکتیک و استراتژی مبارزه طبقاتی و حتا از جنبه پراتیک کارگری ، دریک فضای شفاف و روشن و بدور از ارباب و تهدید ، بحث و گفتگو داشته باشیم اتفاقا این دیالوگ رفیقانه بنفع جنبش کارگری است. اما لطفا مارا تهدید نکنید. اگر قصد خاموش کردن صدایم را دارید بیش از شش پرونده امنیتی مانع از این امر نشد. این در حالیست که ، بیش از شش هزار کارگر در هفت تپه مشغول بکارند که با خانواده هایشان بیش از بیست هزار نفر بصورت مستقیم و بالای صد هزار نفر هم غیر مستقیم ، چشمشان به هفت تپه دوخته شده است اگر بدانم که جان ناقابلم ذره ای به این امر کمک میکند که چرخ کارخانه بچرخد ، کارگران کار کنند و نانی بر سر سفره هایشان داشته باشند با خوشحالی حاضرم جانم را نثار کنم. جنس دوست داشتن ما از این نوع است. پس ما را تهدید نکنید.

با آرزوی اینکه ، آینده بهتر از امروز باشد

۲۰ اسفند ۹۶

رضارخشان

تخریب انسان در اقتصاد سرمایه داری

در آبان سال ۱۳۹۶ سمیناری آموزشی تحت عنوان «غریبه ای به نام نشاط» و یا «چگونه با نشاط کار کنیم» در تالار ذوب آهن اصفهان برگزار شد. سخنرانان در این سمینار از آمارهای حرف زدند که نگران کننده بود. مشاورین خانواده های کارگران ذوب آهن اعلام کردند قبل از سال ۸۹ بیشترین مراجعه خانواده های کارگری به این مشاورین در مورد مشکلات ازدواج بوده است. اما ناگهان از سال ۹۳ بیشتر مراجعه کنندگان برای مشاوره طلاق به این مشاورین مراجعه کرده اند. و متأسفانه از سال ۹۴ این مراجعه ها به ناگهان تغییر ماهیت داده و مراجعه کنندگان از بی تعهدی و خیانت در خانواده هایشان مشاوره گرفته اند. این روند در سال کنونی به خستگی از کار و زندگی تغییر مشاوره داده است.

پرسش این است که مدیریت در این کارخانه چه کرده است که خانواده های کارگران به جای مشاوره ازدواج به مشاوره طلاق و خیانت روی آورده اند؟ چه اتفاقی در زندگی کاری کارگران افتاده که کارگران از کار و زندگی خسته شده اند؟؟

آنچه ما می دانیم دستمزدهای نازل و زیر خط فقر نه تنها ازدواج را از کارگران گرفته است بلکه فروپاشی خانواده های کارگری را نیز هدف قرار داده است. کارشناسان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک معتقدند که دستمزدهای زیر خط فقر که جوابگوی معیشت خانواده هانیست نه تنها کانون های خانواده گی را از هم خواهد گسست بلکه به تزلزل اخلاق در میان زحمتکشان هم دامن می زند. اما خطر از آنجا آغاز می شود که کارگر دیگر انگیزه ای برای کار و زندگی ندارد. سیستم سرمایه داری برای پولی شدن همه مظاهر جامعه بی اخلاقی را دامن می زند. بی دلیل نیست که سرمایه داری در مقابل افزایش قدرت خرید کارگران هر روز ترفند جدیدی را آزمایش می کند. فشار کار و دستمزدهای ارزان بی انگیزه گی و بی تعهدی و خیانت را در جامعه رواج می دهد و کارفرمایان بدون آنکه تیری شلیک کنند و کسی را به قتل برسانند، کارگران را زیر فشار کار و خستگی مفرط بی انگیزه کرده و آنان را به سمت مرگ سوق می دهند تا نیروی جدید را جایگزین این کارگران از رده خارج کنند.

هر چند آمار دقیقی از بازنشستگان ذوب آهن و مرگ و میر در این واحد صنعتی بزرگ نداریم، اما بازنشستگان ذوب آهن بسیار زود پس از بازنشستگی می میرند و از زندگی بازنشستگی محرومند. گواه ما اعلامیه های ترحیمی است که به سر کوچه و شهرک ها نصب می شود.

امر مجازی، امر واقع!



چندی ست که مواجهیم با پدیده ای به نام امر مجازی! از شبکه های اجتماعی گرفته تا رسانه، حتا خبر و الا آخر. چند اشاره خواهیم داشت به برتری های موضوعی امر مجازی از نگاه دیالکتیک مادی؛ این گونه می نگاریم که امر مجازی در چه مصادیقی، "کارپذیر" خواهد بود و به روایتی، بر "تغییر وضعیت موجود" انطباق کلی خواهد داشت:

- امر مجازی باید لاقلاً انطباق معنایی بر بی واسطگی داشته باشد؛ این مراجعه، معنای دقیق "من" است؛ همان امری که شفاف به "من" اشاره دارد. مثالی به محتوا می آوریم: حمله ی اسکادران هوایی اسرائیل به مواضع فلان کشور در سوریه، هیچ مراجعه ای به "من" ندارد؛ و بالعکس: "من" حقوق مکفی ندارد "من" از حق مسکن بی بهره است!

- امر مجازی می بایست "نفی کرانه"، "عناصر متضاد" و به وجهی، ضد خود را در خود داشته باشد؛ چرا که آن چه محتوا را پیشرفت می دهد، همین عناصر متمایز اند؛ و این نمونه ها: "تا ۱۴۰۰ با روحانی" و یا "من به اصلاحات رای می دهم"، فاقد این معنا هستند (این دو مثال به نظریه ی انتخاب آلن بدیو نظر دارند؛ یعنی، فقط و فقط یک انتخاب)

در مقابل، "من شناسنده، از حق بیمه برخوردار نیست!"، "من بیکار است" و از این دست، در درون خود، ریشه در "نفی" دارد.

- بایسته است امر مجازی، روند آگاهی را به سوی خود و دیگری (سه پایه ی آگاهی) ارتقاء دهد؛ به معنایی، شناسایی از خود می بایست در امر مجازی، شفاف و متعین باشد.

مقایسه می کنیم گزاره های "انتخابات عراق"، "طالبان افغانستان" و "پیروزی ترامپ با رای اکثرال" را با این که "فرزندم گرسنه است"، "ما قیم نمی خواهیم!"

- امر مجازی باید به سوی کارآیی روانه شود، کارآیی به عنوان وجهی از "عمل"!

ما به سانحه ی سانچی معترضیم؛ اما نه به آمار روزانه ی کشته های کشورمان در تصادفات جاده ای، که در "من"، تعیین منفی دارد (امکان وقوع برای هر یک از ما دارد)

آن چه کارآیی "جمعی" دارد، بر امر واقع منطبق تر خواهد بود ... ش.ص.زاهدی

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران معتقد است:

کارگران و زحمتکشان بیش از هر بخش دیگری از جامعه، فقر و گرانی را بر دوش خود احساس می‌کنند.

نبود یک سیستم سراسری و عادلانه تأمین اجتماعی که بتوان در صورت نیاز به آن مراجعه کرد

حذف بخش‌هایی از قانون کار که حافظ حقوق کارگران بود و نبود یک قانون کار مدرن، فراگیر و دموکراتیک که از حقوق مان دفاع کند،

نبود هیچ ضابطه و قانونی برای ملزم کردن کارفرمایان به رعایت اصول ایمنی در کارگاه‌ها و مراکز تولیدی،

نبود هیچ ضابطه و قانونی برای ملزم کردن کارفرمایان برای پرداخت حقوق سر هر ماه به کار گرفتن کودکان با دستمزدی بسیار ناچیز و اعمال انواع فشارها بر ضد زنان کارگر، تنها مختصری از دردنامه کارگران و زحمتکشان است.

ما به تجربه دریافته‌ایم که تا زمانی که سندیکاهای کارگری مدافع زحمتکشان در جامعه حضور نداشته باشد وضعیت مزدگیران هر روز بدتر خواهد شد.

برای نمونه، سال نو ۱۳۹۷ درحالی آغاز شد که به کاهش باز هم بیشتر ارزش پول ملی در نخستین هفته فروردین‌ماه، منجر گردید و بار دیگر سقوط قدرت خرید کارگران و زحمتکشان را شاهد بودیم. در هفته پایانی سال ۹۶ و با مصوبه شورای عالی کار عملن خواست طبقه کارگر و زحمتکشان برای افزایش واقعی و عادلانه دستمزد، متناسب با هزینه تهیه سبد معیشت (شامل اجاره مسکن مناسب) برای یک خانواده چهار نفره و افزایش نرخ تورم نادیده گرفته شد و سطحی از مزد تعیین شد که نه تنها با تورم واقعی فاصله دارد، بلکه حتی با رقم مورد توافق پیرامون سبد معیشت خانوار نیز همخوان نیست و تقریباً معادل با یک چهارم خط فقر در کشور است.



هرچه دوستش به او گفت :
 غلامرضا خم شو ، قایده ای نداشت
 بعد از مراسم ازش پرسیدن ، چرا خم نشدی
 برایت در دسر میشود ، او شاه مملکت است
 گفت هر که میخواهد باشد :
 تختی فقط برای بوسیدن دست مادرش خم میشود

از حموم عمومی در اومدیم و نم نم بارون میزد ، خانومی جوون و محجبه بساط لیف و جوراب و ... جلوش پهن بود ، دوستم رفت جلو و آروم سلام کرد و نصفه بیشتره لیف و جورابا شو خرید ...

تعجب کردم و پرسیدم : داداش واسه کی میخری ؟ ما که تازه از حموم در اومدیم ، اونم اینهمه!!!

گفت : تو این سرما از سر غیرتسه که با دستفروشی خرجشو درمیاره ، وگرنه میتونست الان تو یه بغل نرم و یه جا گرم تن فروشی و فاحشگی کنه!!!
 پس بخر و بخریم تا شرف و ناموس مملکتمون حفظ شه .

برگشت تو حموم و صدا زد : نصرت اینارو بزار دم دست مردم و بگو صلواتیه ... !!! ...

♥♥ (برگی از دفترچه خاطرات جهان پهلوان تختی)

حکمت های عامیانه

مردی روستایی از شهریه مزرعه ی خود برگشت. هدیه ای از شهر برای همسرش با خود آورده بود! همسرش ضمن خوشحالی هدیه همسر را باز کرد با کمال تعجب دید که همسرش از شهر فقط یک تله موش خریده است. زن روستایی متعزز شد و به شوهرش گفت: عزیزم تله موش هم شد هدیه؟ تله موش به چه کار من می آید؟ مرد روستایی به همسرش یادآوری کرد مگر این شما نبودى که همیشه مى گفتى موشى در انبار، گونى ها را سوراخ مى کند و میجود، اگر یک تله موش مى داشتیم او را به دام مى انداختیم! خوب این هم تله موش! مرد روستایی تله موش را در انبار آماده به کار کرد!

موش که این صحنه را می دید، به نزد خانم مرغه رفت و لرزان و ترسان گفت: خانم مرغه این تله موش را برای من کار گذاشته اند، چه کنم؟ خانم مرغه با غروری جواب داد که تله موش به چه کار من می آید؟ و مشغول دانه خوردنش شد! موش به نزد گوسفند رفت، و با حالتی لرزان و نگران رو به گوسفند کرد و گفت: آقا گوسفنده به دامم برس این تله موش برای به دام انداختن منه، یه فکری کن! آقا گوسفنده رو کرد به آقاموشه و گفت: تله موش به چه کار من میاد؟ من یک گوسفندم ولی برای تو می توانم دعا کنم! موش که نا امید شده بود به سراغ خانم گاو راه رفت و با ترس ولرز گفت: خانم گاو من از تله موش می ترسم برایم یه فکری کن! خانم گاو گفت: تله موش که به کار من نیاد! تو مواظب خودت باش!

چندشب گذشت ناگهان صدای فریادی از درون انبار آمد، مرد روستایی هراسان به طرف انبار رفت، و با کمال تعجب دید که دم ماری در تله موش گیر کرده و مار همسرش را نیش زده است! مرد روستایی با تنی چند از همسایگان زن مار زده را برای مداوا به شهر برد، و او را با حالت نزار و تب شدید به منزل آورد! برای شب اول مرغ را سر بریدند و به همسایگان خوراندند! روز دوم با شنیدن این واقعه مردم بیشتری به دیدن این بانو آمدند، و ناچارن گوسفند را برای این جماعت سر بریدند! و روز بعد هم زن بر اثر گسترش سم در بدنش مرد و گاو را برای مراسم مرگ این خانم سر بریدند! موش که این صحنه را می دید! این جمله را دائم تکرار می کرد: این ها کسانی بودند که تله موش به کارشان نیامد!

این تمثیل برای مواقعی است که ما از مسئولیت های اجتماعی خود طفره میرویم،،،



پناه می‌آورم به تو

تا بمانی با من

تا خوشه‌های گندم و جویبارها

و آزادی

سالم بمانند

و جمهوری عشق

پرچم‌هایش را برافرازد...

"نزار قبانی"

جنبش زحمتکشان فلسطین برای استقلال

در چند سال گذشته، تبلیغ بیش از اندازه در باره "آنچه به عنوان کمک به مردم فلسطین داده شده است"، نوعی بد بینی و عدم اعتماد به مبارزات به حق مردم فلسطین را در میان برخی از افشار مردم و زحمتکشان ایران به وجود آورده است. این بدبینی تا به آنجا پیش رفته است که در جریان حوادث یک ساله گذشته، شعار "نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران" یکی از شعارهایی بود که مطرح شد. اما اینکه چنین کمک هایی چگونه بوده و یا اساسا به دست مردم رنج دیده فلسطین رسیده است، موضوع بحث های فراوان است. اگر نگاه کنجکاوانه و دقیقی به وضعیت کارگران و جنبش کارگری فلسطین داشته باشیم، درمی یابیم که کارگران، مردم زحمتکش و مبارزات آزادیبخش فلسطین برای استقلال و خودمختاری فلسطین، سهم چندانی از این کمک ها دریافت نکرده اند.

با توجه به اینکه منافع کارگران در سراسر جهان یکی است و امروز مبارزات مردم فلسطین، پاشنه آشیل سرمایه داری غرب است و تلاش می کنند تا آن را با تروریسم بنیاد گرا درهم آمیزند، از سوی دیگر بخشی از مبلغان نظام سلطه گر جهانی و طرفداران وطنی آنها چنین تبلیغ می کنند که اسرائیل دارای حکومتی دموکراتیک است و تلاش می کنند که چنین دروغ شاخداری را در هیاهوی مقابله با بنیادگرایی اسلامی به افراد بی اطلاع بقبولانند، ضروری دیدیم که نگاهی به این جنبش و به خصوص مسایل کارگری در فلسطین داشته باشیم و در ادامه، نهضت "بایکوت و تحریم و عدم سرمایه گذاری در اسرائیل" را به اجمال مورد بررسی قرار دهیم، بحثی که از جولای ۲۰۰۶ به راه افتاده است.

کوه

کوه پرسید ز رود

زیر این سقف کبود راز ماندن در چیست؟

گفت: در رفتن من.

کوه پرسید: و من؟

گفت: در ماندن تو.

بلبلی گفت: و من؟؟

خنده ای کرد و گفت: و غزل خوانی تو ؛

آه از آن آبادی

که در آن کوه رود ،

رود مرداب شود و در آن

بلبلی سرگشته سرش را به گریبان ببرد و بخواند دیگر.

من و تو ، بلبل و کوه و رودیم

راز ماندن جز ، در خواندن من

ماندن تو ، رفتن یاران سفر کرده مان نیست

بدان.....

هنوز چشمهای سران مملکت را برق نزده...

ی مشت شن انگار داخل چشم ریختند

سوزش غیر قابل تحمل

یکی میگه سیب زمینی بذار

یکی میگه حوله نمناک بذار

یکی میگه قطره انستوکابین بریز

یکی میگه بابا اینم شغله توداری اخه؟؟

عرق های ریخته شده. دستو پای سوخته شده با لباسهای مشبک. این چشمها
راباید احترام گذاشت

بعضیا هم میرن داخل یه مجلس... پنج نفره و باچشماسون فقط چرت میزنند
در خواب واسه ما تصمیم میگیرند.

بعضیاشونم بجز چشم چرونی چیزی دیگه بلد نیستند..

همشونم پیشونیشون را بامهر داغ کردند...

مقایسه ندارد ولی مقایسه کنید بین این دو چشم نسبت بهم چه تفاوتهایی
هست...

واقعا همین حالا چشمامو برق زده و به یک باره شاعر شدم... شاعری باچشم

گریان... ♡ □ ♡ □

وارتان خرم‌دین

زندگی با مزد قانون کار

چه کسانی نعمتها را بین خودشان تقسیم کرده اند؟ چه کسانی حقوق کارگران را تعیین کرده اند؟ چه کسانی فقر را بوجود آورده اند؟ چه کسانی نمی توانند از حق و حقوقشان دفاع کنند؟

چند روز پیش با یک نفر صحبت می کردیم. در شرکتی مشغول است خیلی هم خوشحال بود که بیکار نیست. خیلی ها محتاج همین کار هستند و گیرشان نمیداد. خیلی ها هم چند شغل دارند. اگر در کشور کار نیست، چطور بعضی ها چند شغل دارند. خوب است بگوییم، مدیریت نیست. مسئولان چرا به یک نفر پروانه کار دوم را می دهند، زمانی که صدها لیسانس بیکارند. یک نفر می گفت: «چند ساله بازنشست شدم، ولم نمی کنند. قرارداد بستند دوباره کار می کنم. خیلی عجیب است.»

پرسیدم چرا ولتان نمی کنند؟ گفت: «کسی نیست کار منو انجام دهد» گفتیم: «خدارا شکر نمردی والا کشور فلج می شد» چرا مسئول آن اداره برای جایگزینی ایشان فکرشو نکرده؟ در نبودش چکار می خواهند بکنند؟؟

به دوستم گفتم: «با حقوق قانون کار چگونه زندگی می کنید؟؟» گفت: «بیا بریم خونه ما بگویم. بگویم خدا چگونه زندگی ما را می چرخاند» رفتیم. خونه شان. گفت: «اون اتاق را می بینی پتو پهن کردیم. زمانی آنجا یک فرش بود، فروختیم. می بینی دست و گوش و گردن بچه هایم خالی است، زمانی در آنجاها طلا بود. آن باغچه را می شناختی از پدرم ارث رسیده بود، الان فروختیم. خدا کریمه، ماه آینده هم در تلگرام گذاشتم کلیه هامو خواهم فروخت. خدا برکت بده به مزد قانون کار اینطوری خرج می کنیم و زندگیمان را تامین می کنیم» در کشور ۲۰ درصد کار می کنند، ۸۰ درصدشان می خورند. کشورمان از هر لحاظ در دنیا نمونه است. اگر درست مدیریت شود. نه بیکاری، نه فقر، نه مشگلی هست. اما از هر خانه ای که دود اسپند بلند می شود. حتمان مادری نگران است. بیشترین نذرها را کارگران می دهند. دوستم می گفت: «پولهای یک امام زاده را جمع می کردند، به آقا گفتم از این پولها به چند کارگر کمک کنید بهتر می شه» گفت: «همان کارگران این پولها را به آنجا انداخته اند!!!!» درود بر کسانی که آبرومندانه با حقوق معمولی در بیشتر اداره ها و سازمانها مخصوصان در اداره آموزش و پرورش زندگی شرافتمندانه ای دارند.

کازیم عاشقی

زنگ تفریح!

دو شیر از باغ وحشی می‌گریزند و هر کدام راهی را در پیش می‌گیرند. یکی از شیرها به یک پارک جنگلی پناه می‌برد، اما به محض آن‌که بر اثر فشار گرسنگی رهگذری را می‌خورد به دام می‌افتد. ولی شیر دوم موفق می‌شود چند ماهی در آزادی به سر ببرد و هنگامی هم که گیر می‌افتد و به باغ وحش بازگردانده می‌شود حسابی چاق و چله است.

شیر نخست که در آتش کنجکاو می‌سوخت از او پرسید: «کجا پنهان شده بودی که این همه مدت گیر نیفتادی؟» شیر دوم پاسخ می‌دهد: «توی یکی از ادارات دولتی. هر سه روز در میان یکی از کارمندان اداره را می‌خوردم و کسی هم متوجه نمی‌شد» «پس چطور شد که گیر افتادی؟»

شیر دوم پاسخ می‌دهد: «اشتباهن آبدارچی را خوردم، چون تنها کسی بود که در آن اداره کاری انجام میداد و غیبت او را متوجه شدند».

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران معتقد است:

تجربه تاریخی نشان داده است که مخالفت سرمایه داری حاکم در کشورمان با تشکل سندیکایی های کارگری تنها به منظور تضعیف و سرکوب طبقه کارگر نیست، بلکه ممانعت از استحکام و توانایی جنبش سراسری ضد مافیایی و ضد فساد یکی از آماج های اصلی آن بوده است. یکی از جنبه های مهم و حیاتی حضور سندیکاهای کارگری در حیات مبارزاتی کشور علاوه بر تأمین خواست های صنفی و رفاهی، نیاز مبرم طبقه کارگر به خواست های دمکراتیک از جمله تأمین آزادی فعالیت انجمن ها، سندیکاها، احزاب و سازمان ها و آزادی اندیشه و قلم بوده است.

این آن جنبه مهم و کلیدی ای است که باید مدنظر قرار داد و در راستای نیل به آن به مبارزه یی خستگی ناپذیر پرداخت.

ثبت ۳۶۰۰ ازدواج زیر ۱۵ سال در چهار شهر آذربایجان شرقی

مدیرکل ثبت احوال آذربایجان شرقی اعلام کرده که در سال ۱۳۹۶ بیش از سه هزار و ۶۰۰ ازدواج زیر ۱۵ سال در چهار شهر این استان ثبت شده است.

احد جودی افزوده که از این تعداد، هشت ازدواج مربوط به کودکان زیر ۱۰ سال بوده است. «آذرشهر»، «بناب»، «ملکان» و «هشتگرد» چهار شهری هستند که این ازدواج‌ها در آنها ثبت شده است.

دو روز پیش نیز معصومه آقاپور علیشاهی، یک نماینده مجلس از وجود ۲۴ هزار کودک بیوه زیر ۱۸ سال خبر داده بود. آقاپور علیشاهی ازدواج کودکان را «معضلی جدی» دانسته و نسبت به افزایش این پدیده در آذربایجان شرقی هشدار داده بود. به گفته این نماینده مجلس «متأسفانه آذربایجان شرقی رتبه دوم کودک همسری در ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۵ ساله را بعد از خراسان رضوی دارد.»

پدیده ازدواج کودکان در مناطقی از ایران به بحرانی اجتماعی در این کشور تبدیل شده است. بسیاری از این ازدواج‌ها براساس احکام فقهی و سنت‌های پیشین مردمان این مناطق صورت می‌گیرد. اما این تمام صورت مسئله نیست. زمانی که فقر و بیکاری بر کشور ما سایه انداخته است و کودکان از رفتن به مدرسه و دانشگاه به دلیل پولی شدن کنار می‌مانند و پدر خانواده برای سیر کردن شکم فرزندانش لنگ می‌ماند «کودک همسری» رواج خواهد یافت.

زمانی که فساد و اختلاس، ثروت مردم را به یغما می‌برد باید شهرهای ملکان و آذرشهر از خدمات عمومی و کار در مضیقه باشند تا ثروتمندان امکان یابند که فرزندان کارگر را به برده گی جنسی و کلفتی به خانه هایشان ببرند.

مبانی اقتصاد سیاسی (۱۹) شیوه تولید برده داری

✓ روابط تولیدی در جامعه برده داری مبتنی بر این واقعیت بود که برده داران، هم مالک وسایل تولید (زمین، ابزار) و هم مالک انسان هایی بودند که به کار تولید اشتغال داشتند، یعنی بردگان. برده چونان شیئی تصور می شد.

✓ □ ◆ برده کاملن و منحصرن در اختیار مالک خود بود و به عنوان " ابزار کار جاندار" شناخته می شد. به چشم برده داران، تنها تفاوت یک برده که با یک گاونر یا یک تبر آن بود که برده ناطق بود.

✓ از سایر جهات برده به همان کیفیت و به همان اندازه تحت تملک ارباب خود قرار داشت که حیوانات اهلی، خانه، زمین یا ابزار کار، در تملک وی قرار داشت. استثمار بردگان شکل های فوق العاده ظالمانه ای به خود گرفت. رفتاری که با بردگان می شد بسیار بدتر از رفتاری بود که با چهارپایان می شد برده ها را در زیر تازیانه بردگان را به طرف کار می راندند و برای کمترین و کوچک ترین غفلی به سختی مجازات یا حتی کشته می شدند.

□ ◆ برده دار هرگز برای کشتن یک برده مسئولیتی نداشت.

✓ برده دار مالک تمام حاصل کار برده بود و تنها به اندازه ای از وسایل معاش به برده داده می شد که برده از گرسنگی نمیرد تا باز هم برده دار بتواند او را به کار وا دارد.

□ ◆ اقتصاد و فرهنگ دنیای کهن به برکت کار بردگان بهبود قابل ملاحظه ای یافت. در نظام برده داری؛ رشته های بسیاری از دانش، ریاضیات، نجوم، مکانیک و معماری به طور قابل ملاحظه ای رشد کرد.

✓ شیوه ی تولید برده داری، با همه رشد و تکاملی که در مقایسه با نظام کمون اولیه حاصل کرده بود، در راه پیشرفت بشر ترمزی شده بود. شیوه تولید برده داری، تضادهای عمیق و لاینحلی در بر داشت که سر انجام به متلاشی شدن آن منجر گردید.

✓ شکل استثمار مبتنی بر برده داری، پیوسته نیروی مولد اصلی جامعه یعنی بردگان را به نابودی سوق می داد. بردگان بارها علیه اشکال خشن و جابرانه ی استثمار طغیان کردند. جریان تامین لاینقطع و دائمی برده شرط بقاء اقتصاد برده داری بود.

✓ منبع تامین بردگان، جنگ های منجر به پیروزی بود که علیه کشورهای دیگر صورت می گرفت. دهقانان و پیشه وران ستون فقرات ماشین جنگی برده داران را تشکیل می داند.

✓ بردگان بودند که به عنوان سرباز خدمت می کردند و در عین حال، با اصلی مالیات هایی را که شرط اصلی انجام این جنگ ها بود نیز به دوش می کشیدند.

✓ در نتیجه رقابت با تولیدی که به مقیاس وسیع صورت می گرفت و متکی بر کار ارزان بردگان بود، دهقانان و پیشه وران، تهیدست و ناتوان شدند و این امر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی کشورهای برده دار را رفته رفته تحلیل برد و تخریب کرد.

□ ◆ پیروزی ها، موجب شکست ها شد.

✓ سر چشمه ی تامین دایمی بردگان ارزان خشک شد و کلیه ی عوامل دیگر، موجب انحطاطی عمومی و کلی در تولید گردید.

پیدایش و تکامل حیات (۱۱)

□ ○ پیدایش حیات در هفت مرحله

✓ همه موجودات زنده روی زمین، از گیاهان و جانوران گذشته‌های دور تا جاندارانی که در حال حاضر روی زمین زندگی می‌کنند، در این سیاره پا به عرصه وجود نهاده‌اند و حتا تردید نیست که پیدایش حیات، وابسته به اوضاع شیمیایی و فیزیکی گذشته زمین بوده و هیچ عامل دیگری در این جریان دخالت نداشته است .

□ ◆ در تکامل حیات در روی زمین، تنها دو عامل دخالت دارند :

✓ یکی زمان و دیگری قوانین فیزیکی و شیمیایی که همواره در این سیاره خاکی جریان داشته و دارند. با وجود چنین شرایطی در زمین، پیدایش حیات امری الزامی بوده است و به همان‌گونه که حیات در این سیاره ظاهر شده در هر سیاره از سایر سیاره‌های جهان نیز، که شرایطی مانند شرایط اولیه‌ی زمین داشته باشند، حیات وجود دارد .

✓ به نظر دانشمندان احتمال این‌که در سیاره‌های دیگر موجود زنده وجود داشته باشد، صددرصد است. (اما ما تا کنون نتوانسته‌ایم آن را ثابت کنیم)

□ ○ پیدایش نخستین موجودات زنده طی هفت مرحله به وجود آمد :

□ ◆ مرحله نخست پیدایش حیات اتمسفر اولیه

✓ عناصری مانند اتم‌های هیدروژن و اکسیژن و کربن و نیتروژن از سبک‌ترین و فراوان‌ترین مواد سطح زمین بوده و هستند. هنگامی که کاهش گرما به درجه‌ای رسید که پیدایش مولکول‌ها را ممکن ساخت، این اتم‌ها شروع به ترکیب‌شدن با یک دیگر کردند. از آن‌جا که هیدروژن از اتم‌های دیگر فعال‌تر است و ترکیب آن با اکسیژن و نیتروژن و کربن آسان‌تر از ترکیب سه عنصر مذکور با یک دیگر، صورت می‌گیرد، به احتمال قوی سه نوع ملکول زیر، در لایه‌ی خارجی زمین به وجود آمدند :

□◆ مولکول آب؛ از ترکیب هیدروژن با اکسیژن مولکول آب به وجود آمد. ۲. H-یا H-O-H

□◆ ملکول آمونیاک؛ از ترکیب هیدروژن با نیتروژن ملکول آمونیاک به وجود آمد. ۳ NH

□◆ ملکول آمونیاک؛ از ترکیب هیدروژن با کربن ملکول متان به وجود آمد. ۴ CH

✓ در آن هنگام گرمای زمین به درجه‌ای وجود داشته، که این سه ترکیب ساده به صورت گاز موجود بوده‌اند و اتمسفری که زمین را احاطه می‌کرده مقادیر فراوانی از این سه گاز در برداشته‌اند. شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهند که چنین واکنش‌هایی نه تنها روی زمین به وقوع پیوسته‌اند بلکه در بعضی از سیاره‌های دیگر منظومه‌ی خورشیدی نیز صورت گرفته‌اند. مثلاً سیاره مشتری که بسیار دور از خورشید به دور آن می‌گردد و سطح‌اش بسیار سرد است، در حال حاضر آب و متان و آمونیاک را به صورت جامد دارد .

✓ ظاهر امر نشان می‌دهد که واکنش‌های شیمیایی سیاره‌ی مشتری نیز از نوع واکنش‌هایی شیمیایی روی زمین بوده‌اند ولی دوری از خورشید و برودت زیاد، سه گاز نام‌برده را، پیش از آن‌که بتواند ترکیبات بعدی به وجود آورند، به حالت جامد در آورده است .

✓ با اطمینان خاطر می‌توان گفت که در اتمسفر زمین ما، متان و آمونیاک وجود ندارد. حال باید دید که اتمسفر قدیمی زمین چگونه به صورت کنونی در آمده است؟

□◆ منع انرژی لازم برای ساخته شدن ملکول‌های آب و متان و آمونیاک، اشعه ایکس، اشعه فوق بنفش، نور و گرمای خورشید بود. از این گذشته گرمای سطح زمین خود کافی بود که ساخته شدن این سه ترکیب ساده را سبب شود و در عین حال به آن اندازه زیاد نبود که سبب متلاشی شدن آن‌ها گردد .

✓□ در نتیجه‌ی سرد شدن تدریجی کره زمین، درجه گرما به حدی تنزل یافت که بعضی از این گازها به حالت مایع درآمدند و نیز بعضی از مایعات جامد گشتند.



حجابت را رعایت کن ، گرسنگی ات مهم نیست .

دختران فوتسال ایران، قهرمان آسیا



ISNA PHOTO

Mona Hoobehfekr

درود بر دختران دلاور ایران زمین که با تمامی
کمبودها و محدودیت ها به قله افتخار آسیا گام
گذاشتند.

فشی از مطالبات برحق رانندگان و کامیونداران

- ۱- کرایه باید ۷۰ درصد افزایش پیدا کنه
- ۲- کرایه باید قبل از تخلیه بار پرداخت شود یعنی بارنامه اعتبار داشته باشد آگه صاحب بار کرایه نداد همون موقع راننده آگه به قانون مراجعه کرد بگیرن در غیر اینصورت صاحب بار به زندان بفرستن
- ۳- حق سنوات برای راننده ۲۵ سال کار
- ۴- افزایش حقوق بازنشستگان رانندگان
- ۵- برکناری انجمن صنفی و انتخاب ازین رانندگان
- ۶- حذف انعام
- ۷- حمایت از راننده چنانچه کسی به راننده تعدی کرد بدون رفتن به دادگاه طرف مقابل مجازات بشه البته در موقع کار
- ۸- حذف باربری ها بارها باید به صورت اینترنتی اعلام بشه و کمسیون نیز به صورت اینترنتی به حساب حمل نقل پرداخت گردد
- ۹- درست کردن جاده ها
- ۱۰- برداشتن عوارض از ماشین های سنگین
- ۱۱- کم کردن حق بیمه
- ۱۲- نظارت بر مکانیک ها لوازم فروش ها و لاستیک فروشها

